

# ارزیابی مقایسه‌ای مواضع و دیدگاه‌های اتحادیه اروپا و امریکا درباره موضوعات مهم جهانی

مهدی امیری\*

ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا از جمله بازیگران مهم و تأثیرگذار نظام بین‌الملل به حساب می‌آیند. از اینرو شناخت مواضع و عملکرد این دو بازیگر در قبال روندها و رویه‌های جهانی از جمله شیوه‌های تبیین پدیده‌های بین‌المللی محسوب می‌گردد. توجه به مقولات و مسائل مهمی همچون حقوق بشر، تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، مناقشه خاورمیانه و سایر موضوعات مهم جهانی به‌طور فزاینده‌ای در دستور کار اروپا و امریکا قرار داشته و حجم قابل توجهی از ظرفیت سیاست خارجی آنها به این موضوعات اختصاص یافته است. هر دو بازیگر تلاش می‌کنند تا مسائل و جریان‌های مهم جهانی را مطابق با منافع و علائق خود هدایت نمایند. علی‌رغم بسیاری از مواضع مشترک در قبال موضوعات مهم بین‌المللی، توجه اروپا و امریکا به حوزه منافع عینی و شخصی در بسیاری موارد موجبات تلاقی و حتی تعارض دیدگاه‌ها و مواضع آنها را درباره این موضوعات فراهم می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:** ایالات متحده امریکا، اتحادیه اروپا، ایران، عراق، مناقشه خاورمیانه، تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، حقوق بشر

## مقدمه

ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا دو بازیگر مهم و تأثیرگذار در عرصه جهانی هستند که از نقش قابل ملاحظه‌ای در تعیین، یا تغییر ترتیبات و معادلات بین‌المللی برخوردارند. نفوذ سیاسی و اقتصادی این دو بازیگر در مسائل جهانی عملاً آنها را در زمره مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل قرار داده است، به گونه‌ای که شناخت جامع و کامل بسیاری از جریان‌ها و فرایندهای حاکم بر روابط بین‌الملل در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی بدون توجه

\* پژوهشگر دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

به نقش و تأثیر آن‌ها امکان‌پذیر نیست. در فرایند تبیین و تحلیل مسائل نظام بین‌الملل توجه به نقش و کارکرد بازیگران اصلی در این نظام از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است. اصولاً به لحاظ متدولوژیک، تجزیه و تحلیل مسائل جهانی می‌تواند در سه سطح مجزا انجام گیرد. در سطح کلان با اتخاذ رهیافتی ساختارگرا می‌توان با اصالت بخشیدن به کلیت و ساختار نظام بین‌الملل، به تبیین مسائل جهانی پرداخت. در چارچوب این رویکرد محققان و تحلیلگران بین‌المللی به جای توجه به عناصر خرد، نظام و ساختار حاکم بر نظام جهانی را مبنای تجزیه و تحلیل خود قرار می‌دهند. در سطح کلان مباحثی مانند محیط بین‌المللی و قواعد و اصول کلی حاکم بر آن مطرح است. استفاده از این روش بر این منطق تئوریک مبتنی است که ساختار نظام بین‌الملل تعیین‌کننده نوع رفتار و جهت‌گیری بازیگران آن است. یکی از مختصات ساختاری هر نظام، شکل خارجی موازنه قدرت است که می‌تواند دو قطبی یا چند قطبی باشد. طبق این دیدگاه، شناخت ساختار نظام بین‌الملل، کلید فهم اساسی مسائل جهانی است.

در سطح میانی، مسائل بین‌المللی می‌تواند بر حسب ارزیابی و تجزیه و تحلیل زیر سیستم‌های منطقه‌ای و کنش و واکنش حادث در آن‌ها ارزیابی شود. در این چارچوب بررسی مسائل مختلف یک زیر سیستم منطقه‌ای (نظیر خاورمیانه، آسیای مرکزی و ...) و تعاملات آن با سایر زیرسیستم‌ها بررسی می‌شود، در مقابل و در چارچوب یک سطح تحلیل متفاوت، بررسی مسائل نظام بین‌المللی می‌تواند بر مبنای رفتار و کارکرد عناصر و بازیگران تشکیل دهنده آن صورت پذیرد. در چارچوب این سطح تحلیل، توجه اصلی بر عملکرد بازیگران نظام بین‌الملل است. البته به دلیل تنوع فراوان در کیفیت بازیگران از حیث نقش و کارکرد، نحله‌های فکری متفاوتی درباره انتخاب نوع بازیگران برای تحلیل مسائل بین‌الملل وجود دارد، به گونه‌ای که برخی متفکران نظیر رئالیست‌ها بر توجه به نقش بازیگران اصلی (دولت‌ها) و برخی دیگر نظیر نهادگرایان بر توجه به اهمیت بازیگران فراملی نظیر اتحادیه‌های منطقه‌ای و سازمان‌های بین‌المللی و برخی دیگر نظیر لیبرال‌ها بر نقش بازیگران غیردولتی تأکید می‌کنند. در همین چارچوب بررسی رفتار بازیگران سیستم‌ساز نظام بین‌الملل که از منابع نفوذ و قدرت وسیع‌تری برای نقش‌آفرینی در امور جهانی برخوردارند به‌عنوان یکی از روش‌های تبیین پدیدارها و تحولات بین‌المللی مورد توجه و مذاقه قرار می‌گیرد. بازیگران سیستم‌ساز تا قبل از نهادینه شدن نظام بین‌المللی به قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل شکل می‌دهند، البته با تثبیت نظام بین‌المللی جبر سیستمیک نیز

شامل حال آن‌ها می‌شود.

در این مقاله تلاش می‌شود تا دیدگاه‌ها و عملکرد اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا دو بازیگر ذی‌نفوذ و قدرتمند درباره مسائل مهم جهانی ارزیابی شود. آمریکا مطابق برخی دیدگاه‌ها، قدرت هژمونیک نظام بین‌الملل محسوب می‌شود. اتحادیه اروپا نیز با مجموعه‌ای متشکل از ۲۵ کشور و بیش از ۴۵۰ میلیون جمعیت، تولیدکننده یک چهارم تولید خالص ملی جهان است و سلسله وسیعی از ابزارهای سیاسی و اقتصادی را در اختیار دارد که به طور اجتناب‌ناپذیری، دیگر بازیگر جهانی به حساب می‌آید.<sup>(۱)</sup> برخورداری از این مختصات، اهمیت و موقعیت قابل توجهی برای اروپا و آمریکا در نظام بین‌الملل ایجاد کرده است. از این‌رو بررسی مواضع و عملکرد هر یک از آن‌ها درباره موضوعات مهم و حساس جهانی می‌تواند نقش مؤثری در تبیین بهتر مسائل بین‌المللی داشته باشد. البته این مقاله بر ارزیابی مقایسه‌ای دیدگاه‌های اروپا و آمریکا درباره این موضوعات مبتنی است. این مقاله متضمن درک اشتراکات و اختلافات آن‌ها در مورد موضوعات مهم جهانی است. ضمن آن‌که علی‌رغم کثرت موضوعات واجد اهمیت و حساسیت جهانی، تمرکز اصلی در این نوشتار بر تبیین دیدگاه‌های اروپا و آمریکا درباره موضوعاتی خواهد بود که به لحاظ سیاسی و امنیتی نسبت به سایر موضوعات از جنبه حادثری برخوردارند. در این راستا دیدگاه‌های این دو بازیگر درباره پنج موضوع حساس تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، حقوق بشر، مناقشه خاورمیانه و بحران عراق ارزیابی می‌شود. در عین حال با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و حساس جمهوری اسلامی ایران و اهمیت آن در معادلات منطقه‌ای و محافل جهانی به طور موردی و مقایسه‌ای دیدگاه‌های اتحادیه اروپا و آمریکا درباره کشورمان نیز در ابعاد مختلف بررسی می‌شود. بدون شک این بررسی می‌تواند بخشی از فرایند شناخت فرصت‌ها و تهدیدات ایران در عرصه سیاست خارجی را تسهیل کرده و موقعیت و شرایط ایران نزد بازیگران قدرتمند بین‌المللی را تبیین کند. همچنین بررسی دیدگاه‌های اروپا و آمریکا درباره مسائل حساس جهانی می‌تواند میزان همگرایی یا واگرایی در بلوک غرب را به لحاظ نظری و عملی تبیین کند. البته این امر بیش از هر چیز نیازمند آگاهی کلی از نحوه و نوع روابط میان اروپا و آمریکا به‌عنوان نیروهای اصلی این بلوک و تشریح کیفیت تعامل دوجانبه آن‌هاست. بدین منظور در این مقاله پس از ذکر کلیاتی درباره روابط اتحادیه اروپا و آمریکا به تبیین مقایسه‌ای مواضع آن‌ها درباره موضوعات حساس جهانی و نیز دیدگاه‌های آن‌ها در مورد جمهوری اسلامی ایران پرداخته خواهد شد.

## ۱. نگاهی کلی به روابط اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا

### ۱-۱. روابط سیاسی

ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا دو بازیگر مؤثر در معادلات و ترتیبات جهانی، روابط نزدیکی با یکدیگر دارند. تعلق فکری نظام‌های سیاسی هم در امریکا و هم در کشورهای اروپایی به مکتب لیبرالیسم زمینه نظری مؤثر و گسترده‌ای را برای نزدیکی دو طرف فراهم ساخته است. علاوه بر آن برخورداری آن‌ها از وضعیت به نسبت مطلوب اقتصادی که موجب قرارگیری‌شان در گروه کشورهای ثروتمند و موسوم به کشورهای شمال شده است، زمینه منطقی و مؤثر دیگری را برای تقویت روابط سیاسی آن‌ها فراهم ساخته است.

لازم به ذکر است که همکاری امریکا با اتحادیه اروپا بر سند موسوم به بیانیه ترانس آتلانتیک<sup>۱</sup> که در سال ۱۹۹۰ و دستور کار جدید ترانس آتلانتیک<sup>۲</sup> که در سال ۱۹۹۵ به تصویب رسید، مبتنی است.

این همکاری به تدریج تعمیق و توسعه یافته است و در سطوح مختلف از جمله برگزاری اجلاس در سطح سران دولت‌ها میان امریکا و کمیسیون اروپایی<sup>۳</sup> و کشوری که ریاست اتحادیه اروپا را بر عهده دارد به انجام می‌رسد.

روابط دیپلماتیک میان امریکا و جامعه اروپا در سال ۱۹۵۳ زمانی که اولین ناظران امریکایی به جامعه ذغال و فولاد اروپا<sup>۴</sup> اعزام شدند آغاز شد. نمایندگی امریکا در این مجموعه اروپایی رسماً در سال ۱۹۵۶ در لوکزامبورگ گشایش یافت. نمایندگی کمیسیون اروپا در امریکا نیز در سال ۱۹۵۴ در واشنگتن ایجاد شد و نمایندگی ایالات متحده در جوامع اروپایی که اکنون نمایندگی این کشور در اتحادیه اروپا خوانده می‌شود در سال ۱۹۶۱ در بروکسل تأسیس شد.

در سال ۱۹۹۰ روابط امریکا و جامعه اروپا با اتخاذ بیانیه ترانس آتلانتیک رسمیت یافت. بدین ترتیب مذاکرات سیاسی منظمی میان امریکا و جامعه اروپا در سطوح مختلف از جمله اجلاس‌های منظم سران آغاز شد. همکاری‌ها میان دو طرف در زمینه‌های اقتصادی، آموزشی، علمی و فرهنگی متمرکز بوده است.<sup>(۳)</sup> دستور کار جدید ترانس آتلانتیک که در کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۵ نهایی شد

1. Transatlantic Declaration of 1990  
2. New Transatlantic Agenda (NTA)  
3. European Commission  
4. European Coal and Steel Community

همکاری میان اتحادیه اروپا و امریکا را بیش از گذشته به پیش برد. این سند که چارچوب جدیدی را برای مشارکت در مسائل مهم جهانی و تقویت روابط دوجانبه میان دو طرف فراهم کرد بر شش محور اساسی استوار بوده است. این محورها عبارتند از:

۱. تقویت صلح و ثبات، دموکراسی و توسعه در سراسر جهان،
  ۲. پاسخ به چالش‌های جهانی،
  ۳. کمک به گسترش تجارت جهانی و روابط اقتصادی نزدیک‌تر،
  ۴. پل زدن (ایجاد روابط) در سراسر حوزه آتلانتیک،
  ۵. پیوندهای پارلمانی،
  ۶. اجرا و تکمیل مسائل مشترک مورد بحث.
- در دستور کار جدید ترانس آتلانتیک، امریکا و اروپا تأکید کرده‌اند که در داخل و خارج با چالش‌های جدیدی مواجه هستند که برای برطرف کردن آن‌ها باید مشارکت میان خود را تقویت کنند.

در زمینه تقویت صلح و ثبات، دموکراسی و توسعه در سراسر جهان که به‌عنوان محور اول از ملاحظات سند دستور کار جدید ترانس آتلانتیک مطرح شده است، اروپا و امریکا تأکید کرده‌اند که همراه با یکدیگر برای ایجاد اروپایی باثبات و سعادت‌مند، تشویق دموکراسی و اصلاحات اقتصادی در اروپای مرکزی و شرقی به علاوه روسیه، اوکراین و سایر دولت‌های تازه استقلال یافته، تأمین صلح در خاورمیانه، پیشبرد حقوق بشر، تشویق عدم تکثیر تسلیحات و همکاری در زمینه توسعه کمک‌های بشردوستانه تلاش خواهند کرد.

در محور دوم این سند با عنوان پاسخ به چالش‌های جهانی، دو طرف از مبارزه با جرائم بین‌المللی،<sup>۱</sup> قاچاق موادمخدر و تروریسم، حل‌وفصل نیازهای آوارگان و افراد بی‌خانمان، حفظ محیط زیست و مبارزه با امراض سخن گفته‌اند.

در محور سوم تقویت سیستم تجاری چندجانبه و برداشتن گام‌های صحیح و عملی برای تقویت روابط نزدیک‌تر اقتصادی بین دو طرف تأکید شده است.

در محور چهارم نیز امریکا و کشورهای اتحادیه اروپا در زمینه همکاری با تجار، دانشمندان، نیروهای آموزش‌دهنده و سایر اتباع خود برای تقویت ارتباطات و برای اطمینان از این امر که نسل‌های آینده نیز متعهد به توسعه مشارکت کامل و برابر هستند همکاری خواهند کرد.<sup>(۳)</sup>

در سند دستور کار جدید اشاره شده است که چهار محور مذکور چارچوبی برای اقدام

از سوی آن‌ها به شمار می‌رود. در این چارچوب دو طرف طرح اقدام مشترک اروپا و آمریکا را تنظیم کردند. در واقع دستور کار جدید ترانس آتلانتیک از طریق این طرح تکمیل شد. طرح مذکور حدود ۱۵۰ اقدام معین را پوشش می‌دهد که اروپا و آمریکا خود را به انجام آن‌ها متعهد کرده‌اند. این طرح سلسله اقداماتی از تشویق اصلاحات سیاسی و اقتصادی در اوکراین تا مبارزه با ایدز و از کاهش موانع تجاری و سرمایه‌گذاری تا تقویت پیوندها میان دانشگاه‌ها را در بر می‌گیرد.

در مجموع سند دستور کار جدید ترانس آتلانتیک چارچوب اصلی روابط اروپا و آمریکا است و نقطه‌عطفی در تاریخ روابط آن‌ها محسوب می‌شود.

## ۲-۱. روابط اقتصادی

اتحادیه اروپا و آمریکا از مشارکت اقتصادی رو به رشد و دوجانبه سودمند برخوردارند. روابط تجاری و سرمایه‌گذاری آن‌ها وسیع‌ترین روابط در دنیاست.<sup>(۴)</sup> اتحادیه اروپا و آمریکا شرکای اصلی تجاری یکدیگرند (با محاسبه کالاها و خدمات) و روابط تجاری آن‌ها بزرگ‌ترین روابط تجاری دوجانبه در دنیا است. در سال ۲۰۰۲ صادرات کالاهای اتحادیه اروپا به آمریکا بالغ بر ۲۴۲ میلیارد یورو بود. این رقم ۲۴/۳ درصد از مجموع صادرات اتحادیه اروپا را تشکیل می‌داد. در حالی که واردات این اتحادیه از آمریکا بالغ بر ۱۷۵ میلیارد دلار بود که ۱۷/۷ درصد از مجموع واردات اتحادیه اروپا به حساب می‌آمد. در بخش خدمات، واردات اتحادیه اروپا از آمریکا ۱۰۸/۳۳ میلیارد یورو بوده است که این میزان ۳۵/۴۵ درصد از کل جریان جهانی است. صادرات اتحادیه اروپا به آمریکا نیز بالغ بر ۱۱۴/۸۹ میلیارد یورو در سال ۲۰۰۲ بوده است. روابط دو طرف در زمینه سرمایه‌گذاری اساسی‌تر است. اتحادیه اروپا و آمریکا مهم‌ترین منبع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)<sup>۱</sup> برای یکدیگرند. مجموع رقم سرمایه‌گذاری دوجانبه آن‌ها بالغ بر ۱/۵ تریلیون یورو بوده است. در سال ۲۰۰۲ مجموع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اتحادیه اروپا در آمریکا ۸۸۹ میلیارد یورو و مجموع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آمریکا در اروپا در حدود ۶۵۰ میلیارد یورو بوده است.<sup>(۵)</sup> در سال‌های قبل نیز سرمایه‌گذاری دو طرف قابل ملاحظه بوده است. سهم سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا در آمریکا بالغ بر ۵۲ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اتحادیه اروپا در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ بوده است. در حالی که سرمایه‌گذاری آمریکا در اتحادیه اروپا در همین سال‌ها بیش از ۶۱ درصد از جریان

1. Foreign Direct Investment

سرمایه‌گذاری خارجی در اتحادیه اروپا را تشکیل می‌داد.<sup>(۶)</sup>

در سال ۲۰۰۳ صادرات کالاهای اتحادیه اروپا به آمریکا بالغ بر ۲۲۰ میلیارد یورو بود، در حالی که واردات اتحادیه اروپا از آمریکا به بیش از ۱۵۱ میلیارد یورو رسید.<sup>(۷)</sup> موقعیت کلان سرمایه‌گذاری که هر یک از طرفین در بازار دیگری دارد مهم‌ترین جنبه روابط اقتصادی ترانس آتلانتیکی به حساب می‌آید. از طریق این سرمایه‌گذاری اشتغال مستقیم ایجاد شده است و اشتغال غیرمستقیم نیز مانند اقدامات و معاملات و مشاغل مشترکی که از حمایت روابط تجاری دو طرف حاصل می‌شود، پدید آمده است، تعداد نیروی کار بهره‌مند از روابط اروپا و آمریکا حدود ۱۲ تا ۱۴ میلیون نفر تخمین زده می‌شود، همچنین ۷ میلیون نیروی کار در آمریکا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم شغل خود را مرهون فعالیت شرکت‌های اتحادیه اروپا هستند.<sup>(۸)</sup>

به طور کلی حجم کلان تجارت و سرمایه‌گذاری دوجانبه میان اتحادیه اروپا و آمریکا مبین میزان بالای وابستگی متقابل اقتصادهای دو طرف به یکدیگر است. نزدیک به یک چهارم از کل تجارت میان اتحادیه اروپا و آمریکا شامل معاملاتی می‌شود که در درون شرکت‌های شکل گرفته از سرمایه‌گذاری میان آن‌ها در هر دو طرف حوزه آتلانتیک به انجام می‌رسد.

روابط تجاری دوجانبه میان آمریکا و اروپا باید در حوزه چندجانبه وسیع‌تری بررسی شود. مشارکت اتحادیه اروپا و آمریکا یکی از نیروهای محرک در به راه افتادن مذاکرات دور دوحه سازمان تجارت جهانی در نوامبر ۲۰۰۱ با عنوان دستور کار توسعه دوحه<sup>۱</sup> بود.

تعهد مشترک اتحادیه اروپا و آمریکا بیان آشکار خود را در سند دستور کار جدید ترانس آتلانتیک و در سند مشارکت اقتصادی ترانس آتلانتیک در سال ۱۹۹۸ ابراز داشته است. روح همکاری جویانه مشارکت دو طرف از طریق ایجاد طرح موسوم به «دستور کار مثبت اقتصادی»<sup>۲</sup>

در اجلاس سران اتحادیه اروپا و آمریکا در دوم می ۲۰۰۲ تأیید مجدد شد. مشارکت اقتصادی دو طرف، از موضوعات صرفاً تجاری، فراتر رفته و مورد حمایت شماری از گفتگوهای شده که همکاری منظم میان این دو را شریک نشان می‌دهد. به دنبال افزایش تهدیدات تروریستی، عناصر جدیدی به این دستور کار اضافه شده‌اند. این عناصر با موضوعات امنیتی مرتبط بوده و تأثیر غیرقابل انکاری بر روابط اقتصادی آن‌ها دارد.<sup>(۹)</sup> در این باره می‌توان به همکاری‌ها و هماهنگی‌های اقتصادی دو طرف برای قطع منابع و ارتباطات مالی گروه‌های

تروریستی اشاره کرد.

### ۳-۱. منازعات ترانس آتلانتیکی

با توجه به روابط سیاسی و اقتصادی نزدیک میان اتحادیه اروپا و آمریکا، این دو بازیگر بزرگ جهانی درباره برخی از مسائل دو یا چندجانبه با یکدیگر اختلاف دارند. موضوعات مورد اختلاف در سطوح مختلف اقتصادی، سیاسی، دفاعی و حقوقی قابل تقسیم هستند.

در حوزه اقتصادی، علی‌رغم سابقه فوق‌العاده در همگرایی اقتصادی، شماری از منازعات عملی و بالقوه تجاری میان این دو شریک، تصویر روشن روابط آن‌ها را تخریب می‌کند. این منازعات مواردی از این قبیل هستند: مسائل تجاری نظیر مناقشه موز<sup>۱</sup> یا منازعه فولاد<sup>۲</sup> که قبلاً حل شده‌اند و منازعه کنونی بر سر قانون آمریکا درباره شرکت‌های خارجی که به دلیل عدم انطباق آن با مقررات سازمان تجارت جهانی به اعمال مجازات اتحادیه اروپا بر ضد آمریکا منجر شده است.

لازم به ذکر است که بسیاری از مشکلات و اختلافات اقتصادی میان اتحادیه اروپا و آمریکا به این علت است که این دو بازیگر در بازارهای جهانی نه فقط شریک، بلکه رقیب یکدیگر نیز هستند. این اختلافات همچنین به علت نظام‌ها و رهیافت‌های نظارتی متفاوت می‌باشد که بازتاب انتخاب‌های اجتماعی است. البته تأثیر اقتصادی این منازعات فقط بخش کوچکی (کم‌تر از دو درصد) از کل حجم تجاری میان آن‌ها را در بر می‌گیرد. هر دو طرف خود را به حل موانع کنونی و آتی برای تجارت و سرمایه‌گذاری در بازار ترانس آتلانتیک از طریق کانال‌های مناسبی نظیر راهکارهای دوجانبه یا راهکار حل‌وفصل منازعات در WTO متعهد کرده‌اند.<sup>(۱۰)</sup>

در بعد حقوقی، مقاومت ایالات متحده آمریکا در برابر عضویت در «دادگاه جنایی بین‌المللی»<sup>۳</sup> از مهم‌ترین عوامل ایجاد اختلاف میان اتحادیه اروپا و آمریکا به حساب می‌آید. اقتدار این دادگاه در چارچوب صلاحیت آن، فراخوانی هر کسی است که متهم به انجام جرائمی نظیر نسل‌کشی<sup>۴</sup>، جنایات جنگی<sup>۵</sup> و جنایات بر ضد بشریت<sup>۶</sup> شده است. سنای آمریکا

1. Banana Conflict
2. Steel Dispute
3. International Criminal Court (ICC)
4. Genocide
5. War Crimes
6. Crimes against Humanity



با خطرناک دانستن این موضوع، قانونی را به تصویب رسانده است که «قانون محافظت از اعضای سرویس‌های امریکایی» نام دارد. این قانون پاسخ اصلی به منافع امریکا در ارتباط با دادگاه جرائم بین‌المللی است که طبق آن شهروندان امریکایی در شمول صلاحیت این دادگاه قرار نمی‌گیرند.<sup>(۱)</sup> این موضع امریکا از مسائل مورد اختلاف میان این کشور با اتحادیه اروپاست.

به لحاظ سیاسی اتحادیه اروپا مخالف اقدامات و ابتکاراتی است که باعث تقویت یکجانبه‌گرایی<sup>۱</sup> در نظام بین‌المللی می‌شود. این موضوع در چارچوب مباحث پایه‌ای سیاست بین‌الملل مطرح است و مشخصاً به ساختار و کارکرد نظام بین‌الملل ارتباط دارد. نظام جنگ سرد حدود نیم قرن، ساختاری دو قطبی را بر نظام جهانی تحمیل کرد که دو بازیگر اصلی آن اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا بودند. اما با فروپاشی شوروی نظام بین‌الملل به لحاظ ساختاری به یک نظام در حال گذار تبدیل شد. بسیاری از صاحب‌نظران، فرجام فرایند گذار را حاکمیت نظام چندقطبی در دنیا می‌دانستند. در حالی که گروهی از محققان سیاسی (امریکایی‌ها) با تأکید بر توانایی‌ها و ظرفیت‌های بی‌رقیب ایالات متحده ظهور یک نظام تک قطبی در جهان را پیش‌بینی می‌کردند. در این میان کشورهای اروپایی برای تقویت موضع و موقعیت خود در نظام بین‌الملل، خواستار حاکمیت نظام چند قطبی در جهان از طریق تقویت فرایند جمع‌گرایی و چندجانبه‌گرایی<sup>۲</sup> بودند. این فرایند به اتحادیه اروپا اجازه خواهد داد تا برخلاف دوران جنگ سرد با استقلال و آزادی عمل بیشتری در عرصه نظام بین‌الملل ظاهر شود. از این رو این اتحادیه در طول سال‌های پس از جنگ سرد مخالف رویه‌ها و روندهای معطوف به تک قطبی شدن نظام جهانی بوده است.

با چنین شرایطی اتحادیه اروپا همواره از امریکا خواسته است تا برای تقویت چندجانبه‌گرایی از مبادرت به اقدامات یا اتخاذ تصمیمات کلان فرامرزی بدون مشورت با سایر بازیگران مهم نظام بین‌الملل، خودداری کند. در این میان عدم انطباق کامل رفتار امریکا با این مطالبه اروپایی‌ها بروز اختلاف و حتی تنش میان دو طرف را در پی داشته است. به ویژه اتخاذ سیاست‌های قهرآمیز و استفاده یکجانبه از زور به وسیله امریکا به تصاعد اختلافات دو طرف کمک فزاینده‌ای کرده است.

ایالات متحده امریکا به‌عنوان تنها ابرقدرت نظامی، نسبت به اتحادیه اروپای ضعیف‌تر،

1. Unilateralism  
2. Multi Lateralism

اشتیاق بیش‌تری برای استفاده از زور داشته، در حالی که ترجیح طبیعی اتحادیه اروپا استفاده از ابزارهای اقتصادی و سیاسی برای حل و فصل مناقشات بوده است.<sup>(۱۲)</sup> از دیدگاه رئالیستی، گرایش به سوی وضعیت تک قطبی<sup>۱</sup> در سیاست جهانی واکنش سایر قدرت‌های بزرگ که از هژمونی امریکا هراس دارند را بر می‌انگیزد.<sup>(۱۳)</sup> ایالات متحده امریکا بعضاً با توجه‌هایی نظیر حفظ امنیت داخلی یا جهانی به اقدامات یکجانبه‌ای روی می‌آورد که مخالف نظر اروپاست. رهبران اتحادیه اروپا اعتقاد دارند که چندجانبه‌گرایی نه تنها واقعیتی اساسی یا رهیافتی برتر نسبت به سیاست است، بلکه یک ارزش ذاتی و طبیعی به شمار می‌رود. کریستوفر پتن<sup>۲</sup> کمیسیونر اتحادیه اروپا در امور روابط خارجی در اکتبر ۲۰۰۲ استدلال کرد که برای حفظ امنیت جهانی هیچ جایگزین واقعی برای نظام ارزش‌های سازمان ملل و قواعد بین‌المللی که مورد توافق رهبران جهان باشد وجود ندارد. وی حتی با به کار بردن یک زبان تندتر بر ضد امریکا اعلام کرد که این نظام ارزش‌ها برای اجتناب از پیامدهای بالقوه فاجعه‌آمیز ناشی از گسترش اقدامات یکجانبه که ادعا می‌شود منازعات منطقه‌ای را حل می‌کند بهترین امید را ایجاد می‌کند.<sup>(۱۴)</sup>

ایالات متحده امریکا به ویژه با حمله به عراق که بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل و مخالفت شرکای اروپایی آن صورت گرفت؛ حساسیت اتحادیه اروپا نسبت به تقویت یکجانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل را بیش از گذشته برانگیخت. در حالی که حملات تروریستی به امریکا در سپتامبر ۲۰۰۱ موجی از حمایت از امریکا را در اروپا به راه انداخت، اما جنگ عراق به تخریب بخش عمده‌ای از اراده مثبت اروپا نسبت به امریکا انجامید و تنش‌های زیادی را برای مشارکت میان آن‌ها به وجود آورد.<sup>(۱۵)</sup>

روی آوردن امریکا به اقدامات یکجانبه همواره از نگرانی‌های عمده اتحادیه اروپا بوده است که نقطه اوج آن در جنگ عراق متجلی شد. در مجموع اتخاذ این اقدامات یکجانبه و پافشاری اروپا بر فرایندهای چندجانبه از دیگر موارد اختلاف میان امریکا و اتحادیه اروپا به حساب می‌آید.

مجموع اختلافات فوق در کنار برخی اختلافات دیگر نظیر مناظره دو طرف بر سر پیمان کیوتو<sup>۳</sup> از چالش‌های روابط میان امریکا و اتحادیه اروپا به حساب می‌آید.

1. Unipolarity
2. Christopher Patten
3. Kyoto Treaty

## ۲. مواضع و دیدگاه‌های اتحادیه اروپا و امریکا پیرامون مسائل مهم

### بین‌المللی

ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا دو بازیگر مهم و نافذ نظام جهانی، ناگزیر از اتخاذ دیپلماسی فعال در برابر موضوعات و مسائل مهم جهانی هستند. اتخاذ این دیپلماسی به طور طبیعی آن‌ها را نسبت به مسائل فوق صاحب موضع و منفعت می‌کند. همان‌طور که در مقدمه بحث اشاره شد، ارزیابی دیدگاه این دو بازیگر نسبت به مسائل جهانی می‌تواند نقش مؤثری در شناخت بهتر این مسائل داشته باشد. البته در حال حاضر مسائل و موضوعات متنوع و متکثری وجود دارند که از اهمیت و حساسیت بالایی برخوردارند. این موضوعات در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی، زیست محیطی و ... و در زمینه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قابل تقسیم‌بندی‌اند. در عین حال برای حفظ اصل تدقیق و تحدید در مقاله، فقط ارزیابی دیدگاه‌های اروپا و امریکا درباره پنج موضوعی که به لحاظ سیاسی، امنیتی، روانی و گاه ژئوپلیتیکی از حساسیت و فوریت بیش‌تری برخوردارند توجه می‌شود. این پنج موضوع شامل حقوق بشر، تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، مناقشه خاورمیانه و بحران عراق است. چهار موضوع اول از مسائل و مباحث حساس بین‌المللی در چند دهه اخیر بوده‌اند و بحران عراق نیز به دلیل حساسیت بالا و پیامدهای کلان نشأت گرفته از آن بدون شک مبرم‌ترین و در عین حال جنجال‌برانگیزترین موضوع بین‌المللی در سه سال اخیر بوده است. مسائل مربوط به حقوق بشر و تروریسم در زمره مسائل موضوعی و پایه‌ای بین‌المللی به حساب می‌آیند در حالی که مناقشه خاورمیانه و بحران عراق مسائل مصداقی در نظام جهانی محسوب می‌شوند. موضوع سلاح‌های کشتار جمعی وضعیت بینابینی دارد. در عین حال نکته حائز اهمیت درباره هر دو دسته از موضوعات فوق به امکان ایجاد ارتباط معنا دار میان آن‌ها مربوط می‌شود. مناقشه خاورمیانه و بحران عراق بستر عملکرد بازیگران درگیر در آن‌ها هستند. در هر دو مورد مباحث مربوط به حقوق بشر و تروریسم موضوعیت دارند. از این‌رو نحوه سمت‌گیری و عملکرد اروپا و امریکا در برابر مناقشه خاورمیانه و بحران عراق می‌تواند میزان پایبندی آن‌ها به مواضع و دیدگاه‌های‌شان درباره حقوق بشر و تروریسم را تبیین کند.

### ۲-۱. تروریسم

اتحادیه اروپا به ویژه در دوره پساجنگ سرد توجه ویژه‌ای به موضوع تروریسم داشته است. توجه اروپا به این موضوع بر رویکرد اساسی آن درباره تغییر ماهیت تهدیدات فراروی، مبتنی

است. اتحادیه اروپا تأکید دارد که مفهوم سنتی «دفاع از خود»<sup>۱</sup> بر مبنای تهدید تهاجم (نظامی) بوده است. در چنین شرایطی دفاع در قلمرو خودی برای دفع تهاجمات اهمیت خاصی داشت، اما در شرایط وجود تهدیدات جدید، خط اولیه دفاع غالباً در خارج شکل می‌گیرد. تهدیدات جدید پویا و سیال هستند. اتحادیه اروپا در کنار تروریسم، تکثیر تسلیحات هسته‌ای و جرائم سازمان‌یافته را تهدیدات جدید معرفی می‌کند. اتحادیه اروپا معتقد است که این تهدیدات نشان‌دهنده آن است که این اتحادیه باید آماده اقدام قبل از وقوع بحران باشد.

اروپایی‌ها معتقدند که بر خلاف تهدیدات گسترده آشکار در دوران جنگ سرد، هیچ یک از تهدیدات جدید صرفاً نظامی نیستند و هیچ یک از آن‌ها صرفاً با ابزار نظامی قابل رفع نمی‌باشند. هر یک از این تهدیدات نیازمند ترکیبی از ابزارها هستند.

مطابق با نظر رسمی اتحادیه اروپا تروریسم پدیده‌ای است که زندگی بشر را با مخاطره روبه‌رو ساخته و هزینه‌های گسترده‌ای را بر آنان تحمیل می‌کند. اروپایی‌ها معتقدند که تروریسم به دنبال تضعیف فضای باز و مدارا در جوامع است و تهدید استراتژیک فزاینده‌ای را برای کل اروپا مطرح می‌کند. حرکت‌های تروریستی به صورت فزاینده‌ای از منابع مناسب که با شبکه‌های الکترونیکی ارتباط دارند بهره‌مند هستند و علاقه‌مند به کاربرد خشونت نامحدود برای قربانی ساختن و وارد آوردن تلفات در سطحی گسترده می‌باشند.

موج اخیر تروریسم، گستره‌ای جهانی داشته و با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز مذهبی مرتبط است. این مسأله از عوامل پیچیده‌ای نشأت می‌گیرد که شامل فشارهای مدرنیزاسیون، بحران‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و بیگانه شدن جوانانی که در جوامع خارجی زندگی می‌کنند می‌باشد. اروپا تأکید دارد که این پدیده بخشی از واقعیت جامعه اروپا نیز هست.

مقامات اتحادیه اروپا معتقدند که این قاره هم یک هدف و هم یک پایگاه برای چنین تروریسمی است. کشورهای اروپایی هدف تروریست‌ها بوده و مورد حمله قرار گرفته‌اند. پایگاه‌های لجستیکی سلول‌های القاعده در بریتانیا، ایتالیا، آلمان، اسپانیا و بلژیک بر ملا شده‌اند. از این رو اقدام هماهنگ اروپا ضروری است.<sup>(۱۶)</sup>

در عین حال باید به این نکته اشاره داشت که هم‌زمان با اوج‌گیری مباحث مربوط به تروریسم مناظره درباره تعریف این پدیده و مختصات و ویژگی‌های آن در اروپا جریان داشت. نهادهای اروپایی برای هماهنگ کردن دیدگاه‌های دولت‌های این قاره در جهت ارائه

1. Self - Defense

تعریفی مشترک از تروریسم تلاش کردند. در دسامبر ۲۰۰۱، سران حکومت‌های عضو اتحادیه اروپا بر تعریفی مشترک از تروریسم و مجازات‌های حداقلی مشترک برای کسانی که محکوم به قتل، آدم‌ربایی و هواپیمارمایی هستند به توافق رسیدند. کمیسیون اتحادیه اروپا<sup>۱</sup> نیز تعریف مشترکی از تروریسم و حکم مربوط به بازداشت تروریست‌ها که به تمام اروپا مربوط می‌شود را پیشنهاد کرد و نیز همکاری میان نیروهای امنیتی ملی را افزایش داد و نحوه مجازات برای جرائم مرتبط با تروریسم را هماهنگ کرد. اتحادیه اروپا در همین رابطه ۳۲ جرم را به‌عنوان جرائم تروریستی معرفی کرد.<sup>(۱۷)</sup> اتحادیه اروپا تروریسم را به‌عنوان تجاوزات و قانون‌شکنی‌هایی که بیش‌تر از سوی یک فرد یا یک گروه بر ضد یک یا چند کشور، نهادها یا مردم آن‌ها با هدف ارباب آن‌ها و تغییر یا تخریب جدی ساختارهای سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی کشوری صورت می‌پذیرد تعریف کرده است.<sup>(۱۸)</sup>

اقدامات عملی اتحادیه اروپا در مبارزه با تروریسم طیف وسیعی از اقدامات را در برمی‌گیرد. این اتحادیه پس از یازدهم سپتامبر که با افزایش اهمیت جهانی مبارزه با تروریسم همراه بود، توجه بیش‌تری را به این مقوله معطوف کرد. پس از حملات یازدهم سپتامبر اتحادیه اروپا با طرح موسوم به «برنامه اقدام درباره مبارزه با تروریسم»<sup>۲</sup> شامل اقداماتی که در داخل این اتحادیه اتخاذ می‌شود، به علاوه سیاست‌های جدیدی که در تعاملات با سایر کشورها ترکیب می‌شوند به این حملات پاسخ داد. این گام‌ها به شکل با اهمیتی اقداماتی را که قبلاً در سطح ملی و دوجانبه به‌عنوان بخشی از پاسخ به وقایع قبلی تروریستی در اروپا وجود داشتند را تکمیل کرد. دستور کار مربوط به این اقدام هماهنگ به صورت منظم روزآمد می‌شود.

اقدامات اتحادیه اروپا در این باره در چندین حوزه پیش‌بینی شده است. در حوزه قضایی و مسائل داخلی اقدامات ذیل از جمله ابتکارات جدید اتحادیه اروپا در مبارزه با تروریسم به حساب می‌آید:

- معرفی و تنظیم حکم دستگیری در اروپا برای کاهش احتمال فرار تروریست‌ها و سایر مجرمان از عدالت به دلیل بهره‌گیری آن‌ها از اختلافات نظام‌های حقوقی ملی در کشورهای اروپایی.

- اطمینان از شناسایی دوجانبه احکام قضایی برای مسدود و مصادره دارایی تروریست‌ها.

1. EU Commission  
2. Action Plan on the Fight against Terrorism

- توافق درباره تعریف مشترک از تجاوزات تروریستی، ایجاد مجازات‌های حداقلی مشترک برای این تجاوزات و جنایی کردن مدیریت و حمایت و تحریک فعالیت‌های تروریستی. در زمینه حمل و نقل و امنیت مرزی برخی اقدامات ضدتروریستی اتحادیه اروپا عبارتند از:
- آغاز همکاری برای استقرار آژانسی اروپایی برای نظارت بر مرزهای خارجی اتحادیه و اطمینان از یک سطح بالا و متحد از کنترل و نظارت در آن‌جا.
- راه‌اندازی برنامه‌های بلندپروازانه (نظام اطلاعاتی ویزا) که اجازه نظارت بر تقاضای صدور ویزا را می‌دهد.
- در زمینه تمویل تروریست‌ها می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:
- مطابق با قطعنامه‌های شورای امنیت، فهرست مجموعه‌ها، موجودیت‌ها و افراد تروریست. این فهرست با مقررات جامعه اروپا که به مسدود شدن تمامی سرمایه‌ها و دارایی‌های متعلق به مظنونین به تروریسم یا تمویل تروریسم حکم می‌دهد تکمیل و اجرا می‌شود.
- ایجاد مقررات و احکام جدید ضد پول‌شویی.
- افزایش تبادل اطلاعات درباره اقدامات فرامرزی مشکوک میان دولت‌های عضو.
- در زمینه امنیت بهداشتی و حفظ افراد و تأسیسات غیرنظامی، برخی اقدامات اتحادیه اروپا عبارتند از:
- توسعه راهکاری برای تسهیل، حمایت و کمک به غیرنظامی‌ها در هنگام فجایع بزرگ از جمله حملات تروریستی.
- توسعه برنامه‌ای برای آمادگی اتحادیه اروپا و پاسخ آن به حملات شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی و هسته‌ای.
- ایجاد کمیته امنیت بهداشتی برای توسعه سیاست امنیت بهداشتی.<sup>(۱۹)</sup>
- اتحادیه اروپا از طریق این اقدامات و شماری دیگر از ابتکارات حقوقی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی به یکی از مهم‌ترین بازیگران در فرایند مبارزه جهانی با تروریسم تبدیل شده است. از دیگر اقدامات مربوط به مبارزه با تروریسم این بود که شورای اروپا به‌دنبال بمبگذاری‌های صورت گرفته در مادرید اسپانیا در مارس ۲۰۰۲، با تعیین یک نیروی هماهنگ‌کننده ضد تروریسم در داخل دبیرخانه این شورا موافقت کرد. این نیرو برای هماهنگی فعالیت شورا در مبارزه با تروریسم و ارزیابی کلیه ابزارهای در دسترس اتحادیه اروپا به منظور ارائه منظم گزارش به شورا و پیگیری مؤثر تصمیمات آن عمل می‌کند.<sup>(۲۰)</sup>

اما درباره دیدگاه‌ها، مواضع و عملکرد ایالات متحده امریکا نسبت به تروریسم باید اظهار داشت که طبق تعریف وزارت امور خارجه ایالات متحده امریکا تروریسم، خشونت عامدانه با انگیزه سیاسی است که بر ضد اهداف غیرنظامی از سوی گروه‌های فراملی یا عوامل پنهانی صورت گرفته و معمولاً به دنبال اعمال نفوذ بر مخاطبین است. تروریسم شکل خاصی از خشونت سیاسی و نوعی فلسفه یا جنبش سیاسی نیست، بلکه این پدیده رعب و خشونت افراطی را که هنجارهای اجتماعی را نقض می‌کند به کار می‌گیرد تا با هدف غایی تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی به اهداف نهادین حمله کند.

بر همین اساس استراتژی ملی امریکا برای مبارزه با تروریسم بر چهار اصل مبتنی است:

۱. شکست سازمان‌های تروریستی با برد جهانی از طریق حمله به پناهگاه‌ها، رهبری، فرماندهی، کنترل و ارتباطات، حمایت مادی و سرمایه‌های آن‌ها.
۲. کاهش زمینه‌ها و وضعیت‌هایی که تروریست‌ها به دنبال بهره‌برداری از آن‌ها هستند.
۳. دفاع از امریکا، شهروندان و منافع آن در داخل و خارج.
۴. استفاده از تمام ابزارها از قبیل دیپلماتیک، حقوقی، اطلاعاتی، مالی و نظامی.<sup>(۲۱)</sup>

ایالات متحده امریکا به ویژه پس از حملات یازدهم سپتامبر حجم عمده‌ای از ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی و امنیتی خود را به مبارزه با تروریسم اختصاص داده است. از جنبه‌های مهم سیاست امریکا در این زمینه تلاش برای ایجاد ائتلافی بین‌المللی برای پیشبرد این مبارزه بوده است. در این راستا همکاری با اتحادیه اروپا اهمیت فزاینده‌ای برای واشنگتن دارد. دو طرف تاکنون در زمینه مبارزه با تروریسم همکاری گسترده‌ای با یکدیگر داشته‌اند. در واقع مبارزه با تروریسم یکی از مهم‌ترین متغیرها و مؤلفه‌های همکاری میان اروپا و امریکا بوده است. این مسأله بعد از حوادث یازدهم سپتامبر شدت و قوت بیش‌تری یافته است. پیش از این حملات، رومانو پرودی<sup>۱</sup> رئیس کمیسیون اروپایی و جورج بوش رئیس جمهوری امریکا مبارزه با تروریسم را به عنوان یکی از پنج موضوع اولویت‌دار برای همکاری میان اتحادیه اروپا و ایالات متحده تعیین کرده بودند. پس از حملات یازدهم سپتامبر، این مسأله به مهم‌ترین اولویت تبدیل شده است.<sup>(۲۲)</sup> در نتیجه حملات یازدهم سپتامبر، اتحادیه اروپا و اعضای آن به طور گسترده‌ای همکاری خود با امریکا در زمینه مبارزه با تروریسم را افزایش داده‌اند. جدا از همکاری روزانه و بسیار نزدیک میان سرویس‌های اطلاعاتی و پلیس در هر دو سوی آتلانتیک، برخی تحولات بسیار مهم

دیگر که در سطح اجلاس‌های اروپا و امریکا مطرح شده‌اند وجود دارد که می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

- انعقاد موافقتنامه درباره استرداد (مجرمین) و کمک‌های حقوقی دوجانبه. در نتیجه، تقاضاها برای استرداد، سریع‌تر مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، آژانس‌های امریکایی و اروپایی تماس‌های مستقیمی با یکدیگر داشته، اصل استرداد در مورد تخلفات بیش‌تری به کار برده می‌شود، مقامات برای رسیدگی به جرائم جدی در هر سوی آتلانتیک به حساب‌های بانکی دسترسی خواهند داشت، تیم‌های بازرسی مشترک امریکا و اروپا نیز می‌توانند تشکیل شوند.

- انعقاد موافقتنامه‌هایی درباره انتقال اطلاعات اسناد مربوط به نام شخصی که در اختیار فرودگاه‌هاست.

- تأسیس برنامه موسوم به دیالوگ سیاست سطح بالا در مورد امنیت مرزی و حمل‌ونقل<sup>۱</sup> که به دو طرف اجازه می‌دهد تا درباره اقدامات پیش‌بینی شده و ابتکارات مشترک هر جا که نیاز باشد هشدار اولیه را صادر کنند.

- امضای دو موافقتنامه میان یورپول<sup>۲</sup> (پلیس اروپا) و امریکا از جمله درباره استفاده مشترک از داده‌های اطلاعاتی و شخصی.

- برقراری تماس‌های نزدیک میان یوروجاست<sup>۳</sup> و امریکا.<sup>(۲۳)</sup>

مجموعه این تمهیدات بستر مناسبی را برای همکاری اروپا و امریکا در زمینه مبارزه با تروریسم فراهم می‌سازد. دیدگاه این دو بازیگر غربی نسبت به تروریسم شباهت‌های زیادی به یکدیگر دارد. از جمله می‌توان تأکید آن‌ها بر اطلاق تروریستی بودن تمامی اقداماتی که وحشت و مرگ غیر نظامیان را نیز در بر می‌گیرد اشاره کرد. این تعریف مشترک برای مثال موضع یکسان آن‌ها در برابر آن دسته از اقدامات شهادت طلبانه فلسطینی‌ها که گستره آن از حوزه و تأسیسات نظامی فراتر می‌رود را در پی داشته است. همچنین اعتقاد آن‌ها به تبعات منفی گسترده تروریسم در حوزه اقتصاد در شکل مختل کردن فرایندها و فعالیت‌های مربوط به سرمایه‌گذاری، گردش مالی و ... زمینه دیگری را برای همکاری دو طرف برای

1. High Level Policy Dialogue on Border and Transport Security

2. Europol

3. Eurojust

- یوروجاست یک مجموعه جدید اتحادیه اروپاست که در سال ۲۰۰۲ به منظور ارتقای کارایی مراجع ذی‌صلاح در درون دولت‌های عضو که در حال رسیدگی و تعقیب جرائم فرامرزی و سازمان یافته هستند تشکیل شد.



مبارزه با این پدیده فراهم می‌سازد. در عین حال اروپا و آمریکا در دو حوزه دیدگاهی و عملکردی از همسانی کامل در برخورد با تروریسم برخوردار نیستند.

به لحاظ عملکردی، ایالات متحده از توانایی‌ها و ظرفیت‌های بیش‌تری برای مبارزه با تروریسم برخوردار بوده است. ماهیت فدرالیستی قوی حکومت آمریکا به این کشور اجازه می‌دهد تا اقدامات ضد تروریستی مد نظر را در درون مرزهای خود اجرا کند. با این حال اتحادیه اروپا از یک مرجع اجرایی مشابه برخوردار نیست.<sup>(۲۴)</sup>

با توجه به رویه‌های معطوف به کاهش بودجه‌های نظامی، ساختار سازمانی فرماندهی پیچیده و پیشرفته در حال تبدیل شدن به یک منبع نظامی کمیاب در اروپای غربی است. این مسأله بیش از هر زمان دیگری مشارکت کارآمد در عملیات‌های نظامی گسترده خارج از مرز را برای اروپایی‌ها دشوار می‌سازد.<sup>(۲۵)</sup>

از دیگر تفاوت‌های میان اتحادیه اروپا و آمریکا در بحث تروریسم باید به این نکته اشاره کرد که هر چند هر دو طرف افراط‌گرایی مذهبی را از مصادیق تروریسم به حساب می‌آورند، اما در مقایسه با اروپا، بحث ایالات متحده آمریکا در مورد تروریسم بیش‌تر ناظر بر گروه‌های اسلامی است. در واقع استراتژی آمریکا در مبارزه با تروریسم انحصاراً شامل برخورد با این قبیل گروه‌ها است. تفاوت دیگر میان آن‌ها این است که استراتژی آمریکا در مبارزه با تروریسم جنبه نظامی‌گرایانه بیش‌تری نسبت به اروپا دارد. در واقع اروپا تمایل بیش‌تری به اتخاذ راهکارهای سیاسی و امنیتی (در بعد غیرنظامی) برای حل و فصل پدیده تروریسم دارد. در حالی که ایالات متحده آمریکا به ویژه پس از یازدهم سپتامبر با استفاده از توان نظامی درصدد برخورد با این پدیده بوده است، بسیاری از اروپایی‌ها در این باره که توان نظامی به تنهایی می‌تواند تروریسم را شکست داده یا ریشه‌های آن را از بین ببرد تردید دارند. امریکایی‌ها از واژه «جنگ با تروریسم» استفاده می‌کنند در حالی که اروپایی‌ها از عبارت «مبارزه با تروریسم» استفاده می‌کنند. امریکایی‌ها پاسخ می‌دهند که اروپا موضوع دفاع را جدی نگرفته و خاطر نشان می‌کنند که در حوزه قابلیت‌های نظامی شکاف بزرگی میان اروپا و آمریکا وجود دارد.<sup>(۲۶)</sup>

مقامات امریکایی از این موضوع ابراز ناامیدی می‌کنند که اتحادیه اروپا تهدید تروریسم را جدی نمی‌گیرد. برای مثال آن‌ها به کوتاهی این اتحادیه در قرار دادن جناح سیاسی حماس در لیست سازمان‌های تروریستی اشاره می‌کنند. یکی از مقامات ارشد پنتاگون در تشریح تفاوت‌های آمریکا و اروپا درباره تروریسم خاطر نشان می‌کند که آمریکا اساساً تروریسم را یک تهدید واقعی و موجود می‌داند، در حالی که اتحادیه اروپا چنین برداشتی ندارد. مقامات اتحادیه

اروپا در پاسخ اظهار می‌دارند که آن‌ها تجربه‌ای طولانی در مبارزه با تروریسم دارند. آن‌ها در دفاع از سیاست خود درباره حماس خاطر نشان می‌کنند تجربه فرایند صلح ایرلند شمالی نشان می‌دهد که باید کانال‌های سیاسی همیشه برای گفتگو و مذاکره باز باشد.<sup>(۲۷)</sup> در واقع مقامات اروپایی به سازوکارهای دیپلماتیک اصالت می‌دهند، در حالی که ایالات متحده در برخورد با پدیده تروریسم بر راهکارهای نظامی تأکید می‌ورزد.

## ۲-۲. حقوق بشر

حقوق بشر از جمله مفاهیم و اصولی است که اتحادیه اروپا به ویژه در حوزه سیاست و روابط خارجی بر آن تأکید ویژه‌ای دارد. این اتحادیه بارها اعلام داشته است، در گسترش روابط با دولت‌ها موضوع حقوق بشر را متغیری جدی می‌داند و سطح روابط خود را براساس این متغیر تنظیم می‌کند.

براساس موضع رسمی اتحادیه اروپا، این اتحادیه به اصول جهانی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۱</sup> و سند تکمیلی پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۲</sup> و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی<sup>۳</sup> بر آن تأکید شده است، احترام گذاشته و آن‌ها را ترویج می‌کند. فعالیت‌های این اتحادیه همچنین بر ابزارهای بین‌المللی و منطقه‌ای برای حفظ حقوق بشر استوار است که از این ابزارها می‌توان به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اشاره کرد. به ادعای مقامات اروپایی، این ابزارها ارزش‌های مشترک مربوط به آزادی‌های اساسی و اصول دیپلماتیک را که ارزش‌هایی جهانی، تفکیک ناپذیر و وابسته به یکدیگر هستند را محترم می‌شمارد. احترام به این ارزش‌ها شرط توسعه کارآمد هر جامعه‌ای است. سایر منابع مهمی که به تعریف ترجیحات اتحادیه اروپا در این زمینه مربوط می‌شوند عبارتند از: اعلامیه و برنامه اقدام کنفرانس جهانی حقوق بشر (وین ۱۹۹۳)، اعلامیه کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه (قاهره ۱۹۹۴)، اعلامیه اجلاس جهانی توسعه اجتماعی (کپنهاک ۱۹۹۵) و چهارمین کنفرانس جهانی درباره زنان (پکن ۱۹۹۵). یک مرحله قابل ملاحظه در ادغام حقوق بشر و اصول دموکراتیک در سیاست‌های

1. Universal Declaration on Human Rights
2. International Covenant on Civil and Political Rights
3. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

اتحادیه اروپا با اجرایی شدن پیمان اتحادیه اروپا<sup>۱</sup> در اول نوامبر ۱۹۹۳ برداشته شد. این معاهده توسعه و تحکیم دموکراسی و حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را یکی از اهداف سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا می‌داند. معاهده آمستردام<sup>۲</sup> که در اول می ۱۹۹۹ اجرایی شد مرحله مهم دیگری را در پیشبرد ادغام حقوق بشر در داخل نظم حقوقی اتحادیه اروپا شامل می‌شود. این معاهده ماده جدیدی را در معاهده اتحادیه اروپا قرار می‌دهد (ماده ۶) که مجدداً تأیید می‌کند اتحادیه اروپا بر اصول آزادی، دموکراسی، احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و حاکمیت قانون که اصول مشترک دولت‌های عضو این اتحادیه هستند، استوار شده است. دولت‌های عضوی که به شیوه‌ای جدی و مستمر این اصول را نقض می‌کنند با خطر تعلیق بخش معینی از حقوقشان در اتحادیه مواجه خواهند شد. معاهده آمستردام همچنین رکن نخست شرط عمومی مبارزه با تبعیض است که این شرط درباره اقدامات مرتبط با مسأله پناهندگی، آوارگان و مهاجرت و صلاحیت‌های معینی در حوزه اشتغال، شرایط کار و موضوع حمایت اجتماعی کاربرد دارد.<sup>(۲۸)</sup>

با توجه به تأکید فراوان اتحادیه اروپا بر موضوع حقوق بشر برخی واقعیات کنونی مؤید آن است که در پاره‌ای از موارد این موضوع در سیاست‌های داخلی و خارجی اتحادیه اروپا مورد غفلت قرار می‌گیرد. از طرف دیگر برخی فرایندها حاکی از سیاسی شدن موضوع حقوق بشر و تبدیل آن به یک اهرم و ابزار سیاسی نزد کشورهای اروپایی است. نتیجه این امر برخورد دوگانه اتحادیه اروپا با حقوق بشر است. این واقعیت بارها مورد تأکید کارشناسان و مقامات سیاسی قرار گرفته است. خوان وان هک<sup>۳</sup>، عضو بلژیکی پارلمان اروپا و معاون کمیته فرعی حقوق بشر در این نهاد، رسماً خواستار اتخاذ سیاست حقوق بشر از سوی اتحادیه اروپا بدون استانداردهای دوگانه شده است. وی معتقد است که در حال حاضر، اتحادیه اروپا به سرعت در حال از دست دادن اعتبار خود به عنوان مدافع و ترویج کننده حقوق بشر در جهان است. وی این سخنان را پس از تصویب گزارش سالانه پارلمان اروپا درباره حقوق بشر در جهان طی سال ۲۰۰۴ و سیاست اتحادیه اروپا نسبت به این موضوع ابراز داشت. یک انتقاد صریح نسبت به سیاست‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا این بوده است که

- 
1. Treaty on European Union
  2. Treaty of Amsterdam
  3. Khoan Van Heck

این اتحادیه هر جایی که منافع اقتصادی آن ایجاب می‌کند از ملاحظات خود در زمینه حقوق بشر چشم‌پوشی کرده و اصول آن را زیرپا می‌گذارد. خوان وان هک در این زمینه معتقد است که اتحادیه اروپا آماده است تا برای حفظ منافع اقتصادی و سیاسی به ویژه زمانی که این منافع به کشورهای بزرگ‌تر و از نظر اقتصادی جذاب‌تر نظیر چین، روسیه و امریکا مربوط می‌شود تخلفات گسترده حقوق بشر را نادیده بگیرد.

در حوزه داخلی وضعیت حقوق بشر در درون کشورهای عضو اتحادیه اروپا در سه زمینه برخورد با شهروندان مسلمان، پناهندگان و مهاجران اوضاع نامناسب‌تری دارد. حقوق مسلمانان به ویژه پس از یازدهم سپتامبر به شکل بارزتری نقض می‌شود. برخی آزادی‌های اساسی نظیر انتخاب نوع حجاب درباره مسلمانان آشکارا نقض می‌شود. مهم‌ترین جنبه این مسأله مربوط به تصویب قانون منع حجاب در مدارس برخی کشورهای اروپایی است.

یکی از نمایندگان مسلمان پارلمان انگلیس در سخنانی قبل از تصویب گزارش سالانه پارلمان اروپا درباره حقوق بشر تصریح می‌کند که شهروندان اروپایی که مسلمان هستند به شیوه‌ای سیستماتیک هدف قرار می‌گیرند، فقط به خاطر این واقعیت که آن‌ها پیروی از اسلام را انتخاب کرده‌اند.<sup>(۲۹)</sup>

مسأله پناهندگی و مهاجرت نیز دو موضوع مرتبط با مسائل حقوق بشر است که وضعیت چندان مناسبی در اروپا ندارد. وضعیت اروپا در هر دو زمینه به ویژه در سال‌های اخیر سبب انتقاد مجامع بین‌المللی و گروه‌های طرفدار حقوق بشر شده است.

سازمان عفو بین‌الملل<sup>۱</sup> در اوایل سال ۲۰۰۴ رسماً از اتحادیه اروپا خواست تا پیشرفت‌های جدی در سیاست حقوق بشری خود در داخل اروپا اعمال کند. گزارش این سازمان خواستار تمهید سیاست‌هایی برای اطمینان از این امر بود که اتحادیه اروپا تعهدات بین‌المللی خود در زمینه محافظت از آوارگان را فراموش نمی‌کند. این گزارش نظارت بیش‌تر اتحادیه اروپا برای رعایت حقوق بشر در درون کشورهای این اتحادیه را طلب می‌کرد. این گزارش همچنین اتخاذ اقدامات واقعی در سطح اتحادیه اروپا برای مبارزه با نژادپرستی<sup>۲</sup>، بیگانه‌ستیزی<sup>۳</sup> و تبعیض<sup>۴</sup> و حمایت از قربانیان قاچاق انسان<sup>۵</sup> را پیشنهاد کرد.

1. Amnesty International
2. Racism
3. Xenophobia
4. Discrimination
5. Human Trafficking

ایراد اساسی به اتحادیه اروپا در زمینه حقوق بشر این است که این اتحادیه در حالی پیگیری موضوع حقوق بشر در کشورهای دیگر را مدنظر قرار داده و از این موضوع به عنوان اهمی در روابط خارجی خود استفاده می‌کند که در درون کشورهای عضو این اتحادیه برخی مشکلات جدی در زمینه حقوق بشر وجود دارد. از این رو بعضاً شاهد ارائه این پیشنهاد به اتحادیه اروپا هستیم که این نهاد بیش از هر کشور یا منطقه دیگری باید برای بهبود شرایط حقوق بشر در داخل مرزهای خود اقدام کند. کیت آلن<sup>۱</sup> مدیر اداره عفو بین‌الملل در انگلستان در این زمینه تصریح می‌کند که «این کافی نیست که اتحادیه اروپا به موعظه درباره حقوق بشر در خارج بپردازد، نخست و قبل از همه اروپا باید به خود نگاه کند. عفو بین‌الملل نگرانی‌های جدی و تفصیلی در زمینه حقوق بشر در بیش‌تر دولت‌های کنونی و آتی عضو اتحادیه اروپا دارد. این موضوعی است که باید در سطح اتحادیه اروپا نیز حل شود. در غیر این صورت اعتبار این اتحادیه در زمینه حقوق بشر در حوزه روابط خارجی آن همواره زیر سؤال خواهد بود».<sup>(۳۰)</sup>

در سال ۱۹۹۹ اجلاس ویژه‌ای در فنلاند برگزار شد که طی آن رهبران اتحادیه اروپا خود را متعهد به ایجاد اروپایی آزاد، برخوردار از عدالت و امنیت کردند. اداره اروپایی عفو بین‌الملل در ژوئن ۲۰۰۴ گزارشی منتشر و این سؤال را مطرح کرد که آیا در نتیجه اجلاس فنلاند اتحادیه اروپا اکنون آزادتر و امن‌تر است؟ در پاسخ به این سؤال، گزارش مذکور وضعیت دو عنصر مسلط در اجلاس فنلاند یعنی پناهندگی و مهاجرت و نیز موضوع همکاری قضایی درباره موضوعات جنایی را از منظر حقوق بشر منفی اعلام کرد.<sup>(۳۱)</sup>

بدین ترتیب با توجه به تأکیدهای فراوان اتحادیه اروپا درباره حقوق بشر در برخورد با سایر کشورها، نشانه‌های مهمی از نیاز برای پیشرفت در این زمینه در درون این اتحادیه دیده می‌شود. درباره مواضع و عملکرد ایالات متحده آمریکا در زمینه حقوق بشر نیز ابتدا باید به این نکته توجه کرد که همچون اتحادیه اروپا، ایالات متحده نیز مفهوم لیبرالی از حقوق بشر را به طور اساسی در چارچوب گفتمان و ملاحظات سیاست خارجی خود وارد و این موضوع را به عنوان یکی از پایه‌های دیپلماسی خود مطرح کرده است. در عین حال سابقه و عملکرد واشنگتن در زمینه حقوق بشر در دو سطح داخلی و خارجی مناقشاتی را درباره رویکرد واشنگتن نسبت به این مقوله برانگیخته است.

وزارت امور خارجه آمریکا، محافظت از حقوق اساسی بشر را سنگ بنای تأسیس ایالات

متحده در ۲۰۰ سال گذشته ذکر کرده است. بنابراین ادعا، از آن زمان هدف مرکزی سیاست خارجی ایالات متحده تشویق احترام به حقوق بشر به نحوی بوده است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است. براساس موضع گیری وزارت امور خارجه امریکا، واشنگتن این نکته را درک می کند که حقوق بشر به تأمین صلح، جلوگیری از تهاجم، تقویت حاکمیت قانون، مبارزه با جرم و فساد، تقویت دموکراسی ها و جلوگیری از بحران های انسانی کمک می کند.

براین اساس وزارت خارجه امریکا مهم ترین اولویت ها و راهبردهای این کشور در عرصه سیاست خارجی در زمینه حقوق بشر را بدین شرح معرفی می کند:

- مسئول نگه داشتن حکومت ها نسبت به تعهداتشان مطابق با هنجارهای جهانی و ابزارهای بین المللی حقوق بشر،

- تشویق احترام بیش تر به حقوق بشر از جمله عدم شکنجه، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، حقوق زنان، حقوق کودکان و محافظت از اقلیت ها،

- تقویت حاکمیت قانون، مطالبه پاسخگویی و تغییر فرهنگ معافیت از مجازات،

- کمک به تلاش های مربوط به اصلاح و تقویت ظرفیت نهادی اداره کمیسیون عالی

حقوق بشر سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل،

- هماهنگ ساختن فعالیت های مربوط به حقوق بشر با متحدان مهم از جمله اتحادیه

اروپا و سازمان های منطقه ای.<sup>(۳۲)</sup>

با توجه به این نکات، ایالات متحده از دیپلماسی فعالی در زمینه حقوق بشر برخوردار بوده است. گزارش های سالانه وزارت امور خارجه امریکا درباره وضعیت حقوق بشر در کشورهای مختلف همواره واکنش های موافق و مخالف زیادی را به دنبال داشته است.

در عین حال موضع و عملکرد ایالات متحده امریکا در زمینه حقوق بشر با اتهامات مختلفی از جمله دوگانگی، ابزارگرایی و سیاسی بودن مواجه بوده است. نوام چامسکی<sup>۱</sup> منتقد و متنفذ امریکایی معتقد است ایالات متحده در سیاست خارجی خود بر موضوع حقوق بشر تأکید می کند، اما تلاش امریکا در این زمینه گزینشی است. موارد نقض حقوق بشر در عربستان سعودی چشم پوشی می شوند در حالی که همان موارد در کوبا در قانون توجه امریکا قرار دارد.

سازمان های مهم بین المللی مرتبط با مسائل حقوق بشر هم زمان با انتشار گزارش هایی درباره وخامت وضعیت حقوق بشر در کشورهای توسعه نیافته، انتقادهای مهمی را نیز در

1. Noam Chomsky

این زمینه به امریکا وارد کرده‌اند. برای مثال در اکتبر ۱۹۹۷، عفو بین‌الملل گزارشی را منتشر کرد که سیستم قضایی جنایی امریکا را متهم به برخورداری از یک الگوی پایدار و گسترده از تخلفات حقوق بشر می‌کرد.<sup>(۳۳)</sup>

درباره وضعیت حقوق بشر در امریکا علی‌رغم ایده کلی که معمولاً در مورد این کشور به عنوان «آزادترین کشور دنیا» به کار برده می‌شود، گزارش‌های متعددی از سوی دولت‌ها و نهادها و تشکل‌های مختلف درباره برخی شرایط نامناسب حقوق بشر در این کشور منتشر می‌شود. یک جنبه مهم از موارد نقض حقوق بشر در امریکا که توجه فعالین حقوق بشر را به خود جلب کرده مربوط به وضعیت زندانیان در این کشور است. در سال ۲۰۰۲ حقوقدانان هر دو حزب اصلی امریکا هتک حرمت سالانه صدها هزار تن از زندانیان در زندان‌های امریکا را یک رسوایی ملی و نقض گسترده حقوق بشر اعلام و آن را محکوم کردند. حدود دو میلیون نفر در امریکا زندانی هستند و مطالعات نشان داده است که بین ۱۰ تا ۲۲ درصد از مردان و در یک مقیاس کم‌تر زنان سالانه هتک حرمت می‌شوند.<sup>(۳۴)</sup> در حوزه حقوق کودکان سازمان دیده‌بان حقوق بشر در گزارش اکتبر ۲۰۰۵ خود خاطر نشان ساخته است که حداقل ۲۲۲۵ کودک در زندان‌های امریکا هستند که در سنین قبل از ۱۸ سالگی مرتکب جرم شده‌اند.<sup>(۳۵)</sup> در زمینه نحوه برخورد نیروهای امنیتی با شهروندان، سازمان عفو بین‌الملل تصریح کرده است که پلیس در امریکا با خشونت و سبعیت با مجرمین برخورد می‌کند زیرا این مشکل در امریکا مشکلی جدی و گسترده است. طبق یافته‌های این سازمان، اکثریت قربانیان خشونت پلیس در امریکا، اعضای گروه‌های قومی سرکوب شده، امریکایی‌های افریقایی تبار، امریکایی‌های بومی، آسیایی‌ها و امریکایی‌لاتین تبارها هستند.<sup>(۳۶)</sup> این سازمان همچنین در سال ۲۰۰۵ نسبت به فرسایش آزادی‌های مدنی در امریکای پس از حوادث یازدهم سپتامبر هشدار داده است. مؤسسه زنان برای توسعه رهبری حقوق بشر به‌عنوان یک سازمان غیردولتی به این نکته اشاره می‌کند که ایالات متحده تنها کشور صنعتی است که کنوانسیون محو تمام اشکال تبعیض بر ضد زنان را تصویب نکرده است. به علاوه ایالات متحده و سومالی تنها کشورهایی هستند که کنوانسیون حقوق کودکان را نپذیرفته‌اند.<sup>(۳۷)</sup> شبکه حقوق بشر امریکا که یک سازمان غیردولتی است و متشکل از ۱۶۰ سازمان فعال در حوزه حقوق بشر است در فوریه ۲۰۰۵ یادداشتی را برای جورج بوش ارسال و در آن نسبت به موارد نقض حقوق بشر در امریکا ابراز نگرانی کرد. لازم به ذکر است که اعضای این شبکه بر نحوه عملکرد امریکا در حوزه حقوق بشر و بر سلسله کاملی از زمینه‌های موضوعی - از

حقوق کار تا شکنجه، از اعمال تبعیض تا حقوق مربوط به برخورداری از مسکن، از فقر و بی‌خانمانی تا موارد فزاینده نقض حقوق بشر در جریان جنگ آمریکا بر ضد تروریسم - نظارت می‌کنند و دریافته‌اند که ایالات متحده نه تنها در برآوردن تعهدات خود در این زمینه عدول کرده، بلکه عملاً رویه‌ای را دنبال می‌کند که به خاطر آن دیگر کشورها را محکوم می‌کند.<sup>(۳۸)</sup>

بدون شک یکی از کامل‌ترین گزارش‌ها درباره نقض حقوق بشر در آمریکا مربوط به گزارشی است که از سوی چین منتشر شده است. اداره اطلاعات شورای دولتی جمهوری خلق چین در اول مارس ۲۰۰۴ گزارش جامعی از موارد نقض حقوق بشر در آمریکا منتشر کرد. برخی از مهم‌ترین محورهای اشاره شده در این گزارش عبارت بودند از:

- ایالات متحده برای زمانی طولانی جامعه‌ای خشن و لبریز از جرم، تجاوز شدید به حقوق مردم از سوی نهادهای متولی اجرای قانون و فاقد تضمین زندگی، آزادی و امنیت شخصی مردم بوده است. براساس آماري که در ژوئن ۲۰۰۳ از سوی دفتر تحقیق فدرال آمریکا منتشر شده ۱۱/۹ میلیون جرم در ایالات متحده در سال ۲۰۰۲ گزارش شده است که می‌توان به آدم‌کشی، هتک ناموس، سرقت و دزدی اشاره کرد.

- ایالات متحده خود را بهشت برین مردم آزاد معرفی می‌کند، اما شمار زندانیان در این کشور همچنان بالاترین رقم در دنیا را داراست. طبق آمارهای منتشر شده از سوی دپارتمان عدالت آمریکا تعداد زندانی‌ها در آمریکا در سال ۲۰۰۲ از ۲/۱ میلیون نفر تجاوز کرده است. - انتخابات ریاست جمهوری که اغلب نمادی از دموکراسی آمریکا معرفی می‌شود در واقع بازی و رقابتی میان ثروتمندان است.

- آزادی مطبوعات در آمریکا با انتقادهای شدیدی روبه‌رو بوده است. حکومت آمریکا کنترل بسیار شدیدی را بر اخبار رسانه‌ها اعمال کرده است و این فشار در جنگ با عراق بیش‌تر شده است. ایالات متحده همچنین بر علیه سازمان‌های خبری و خبرنگاران در عراق حملاتی را انجام داده است.

- اگرچه آمریکا اولین کشور توسعه یافته جهان است، اما حکومت این کشور تا به امروز از تصویب پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی<sup>۱</sup> خودداری کرده است. اختلاف

---

1. این پیمان که در شانزدهم دسامبر ۱۹۶۶ در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید از مهم‌ترین معاهدات مربوط به حقوق بشر به شمار می‌آید که ناظر بر حقوق انسانی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.



میان فقیر و غنی در ایالات متحده در حال افزایش است. گزارش سال ۲۰۰۳ از سوی اداره مدیریت و بودجه که تحت هدایت کنگره امریکاست تصدیق کرده است که شکاف میان فقیر و غنی در این کشور در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری در هفتاد سال اخیر است.

- چهل سال پس از مبارزات مارتر لوتر کینگ<sup>۱</sup> هنوز حقوق برابر پیگیری شده از سوی سیاهان امریکا و گروه‌های قومی اقلیت این کشور یک رویای دست نیافتنی است. طبق گزارش تحقیق سازمان ملل، سیاهان و رنگین‌پوستان در امریکا دو یا سه برابر مجازات سنگین‌تری از سفیدپوستان برای جرائم مشابه متحمل می‌شوند. شمار سیاهانی که به خاطر کشتن سفیدپوستان با مجازات مرگ مواجه شده‌اند، چهار برابر بیش‌تر از مجازات اعدام سفیدپوستانی است که سیاهان را کشته‌اند.

- زنان امریکایی نمی‌توانند از حقوق برابر با مردان برای مشارکت در حکومت و امور سیاسی بهره‌مند شوند. همچنین طبق یک نظرسنجی که از سوی ائتلاف ملی امریکا بر ضد خشونت داخلی انجام شده است، ۹۲ درصد از زنان امریکایی خشونت داخلی و جنسی را اولین نگرانی خود ذکر کرده‌اند.

- درباره حقوق کودکان، محافظت از آن‌ها در امریکا از استانداردهای بین‌المللی پایین‌تر است. ایالات متحده یکی از دو کشور در جهان است که کنوانسیون حقوق کودکان<sup>۲</sup> را تصویب نکرده است. از دهه هشتم قرن بیستم، تمامی ایالت‌ها در امریکا سن مجازات را در این کشور پایین آورده‌اند و در برخی موارد متخلفان نوجوانی که ۱۰ سال داشته‌اند حتی در دادگاه بزرگسالان محاکمه شده‌اند. در بین کشورهای توسعه یافته، امریکا از نظر شمار کودکانی که در فقر زندگی می‌کنند رتبه اول را دارد.

در سال‌های اخیر، ایالات متحده یکجانبه‌گرایی در صحنه بین‌المللی را به انجام رسانده و در مبادرت به تجاوز در دنیا و نقض وحشیانه حق حاکمیت سایر کشورها افراط کرده است. تصویر این کشور به دلیل بدرفتاری‌های متعدد در زمینه نقض حقوق بشر در دیگر کشورها تاریک شده است. ایالات متحده از دهه نهم قرن بیستم، چهل بار بر ضد دیگر کشورها به زور متوسل شده است. ویلیام بلوم<sup>۳</sup> ژورنالیست و نویسنده مشهور امریکایی در کتاب اخیر خود به نام «دولت یاغی: راهنمایی برای تنها ابرقدرت جهان» گفته است که

---

1. Marter Luter King  
2. Convention on the Rights of the Child  
3. William Blom

ایالات متحده از سال ۱۹۴۵ برای سرنگونی بیش از ۴۰ حکومت خارجی، سرکوب بیش از ۳۰ جنبش ملی تلاش کرده که به دلیل این امر میلیون‌ها نفر زندگی خود را از دست داده و تعداد بیش‌تری به سرایشی بدبختی و ناامیدی سقوط کرده‌اند. براساس گزارش روزنامه انگلیسی ایندپندنت<sup>۱</sup> در هشتم فوریه ۲۰۰۴، بیش از ۱۳ هزار غیرنظامی که بسیاری از آن‌ها زنان و کودکان بوده‌اند به دنبال حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به وسیله ارتش امریکا و نیروهای متحد آن در جنگ‌های افغانستان و عراق کشته شده‌اند. از آن گذشته امریکا کشوری است که سربازان زیادی را در خارج از کشور مستقر کرده است. حدود ۳۶۴ هزار سرباز امریکایی در بیش از ۱۳۰ کشور و منطقه مستقر هستند. نقض حقوق بشر از سوی این سربازان بر ضد مردم محلی بارها گزارش شده است. در سال ۲۰۰۳ ارتش امریکا ۸۸ گزارش درباره بدرفتاری این سربازان دریافت کرد.<sup>(۳۹)</sup>

ایالات متحده امریکا علی‌رغم مسائل مطرح شده در این مقاله و گزارش سازمان‌هایی نظیر دیده‌بان حقوق بشر و عفو بین‌المللی همچنان در عرصه سیاست خارجی بهبود حقوق بشر در کشورهای مختلف را از ملاحظات فرامرزی خود قلمداد می‌کند. در مقایسه مواضع و عملکرد اتحادیه اروپا و امریکا در زمینه حقوق بشر به چند نکته باید اشاره کرد:

- هم اتحادیه اروپا و هم امریکا، حقوق بشر را یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی خود تعیین کرده‌اند.  
- هر دو بازیگر از حقوق بشر به عنوان اهرمی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود در نظام بین‌الملل استفاده می‌کنند.  
- مفاهیم و آموزه‌های حقوق بشر در رهیافت هر دو بازیگر نشأت گرفته از مبانی و اصول مکتب لیبرالیسم است.

- علی‌رغم تأکید هر دو طرف بر ضرورت حفظ و رعایت حقوق بشر در جهان و تلاش آن‌ها برای تبدیل شدن به مهم‌ترین بازیگران مدافع حقوق بشر در جهان، در داخل هر یک از کشورهای آن‌ها همچنان برخی شرایط نامناسب حقوق بشر وجود دارد.  
- در بسیاری از موارد، دفاع از حقوق بشر از سوی اتحادیه اروپا و امریکا ماهیتی سیاسی پیدا کرده است این امر از یک طرف به دلیل برخورد دوگانه آن‌ها با این موضوع به شکل نادیده گرفتن موارد نقض حقوق بشر از سوی متحدان استراتژیک خود در دنیا است و از طرف دیگر به

1. The Independent

واسطه چشم‌پوشی از حقوق بشر در شرایط به خطر افتادن منافع و علائق اقتصادی آن‌هاست. نکته دیگر این است که علی‌رغم برخی تشابهات نظری و عملی میان اروپا و آمریکا در زمینه حقوق بشر، این دو بازیگر درباره برخی جوانب مرتبط با این حوزه اختلافاتی با یکدیگر دارند. اتحادیه اروپا نسبت به شماری از رویه‌های مرتبط با حقوق بشر در آمریکا انتقاد داشته و همین امر موجبات بروز پاره‌ای اختلافات میان آن‌ها را فراهم ساخته است. برخی نهادها و محافل اروپایی نسبت به نظام انتخاباتی حاکم بر آمریکا ایراداتی دارند. آن‌ها نظام انتخاباتی الکترونیکی آمریکا را دارای مشکلات اساسی می‌دانند. اولیور داهامل<sup>۱</sup> کارشناس مسائل سیاسی و عضو سوسیالیست پارلمان اروپا پیش‌تر برخی از این مشکلات را در نشریه فرانسوی لوموند<sup>۲</sup> مورد اشاره و شناسایی قرار داده بود، این مشکلات عبارتند از: نقش برجسته‌ای که پول و منافع خصوصی در سیاست دارند، غیبت بسیاری از اقشار جامعه در انتخابات و فقدان اعتماد در حکومت.<sup>(۴۰)</sup>

در بخش‌هایی از اروپا نظام دو حزبی حاکم بر آمریکا مورد چالش قرار گرفته است. هاری ون بومل<sup>۳</sup> یکی از اعضای حزب سوسیالیست و عضو پارلمان هلند و سخنگوی پارلمان در امور بین‌الملل در این زمینه خاطر نشان ساخته است که نظام دو حزبی آمریکا امکان انتخاب محدودی را (برای شهروندان) ایجاد می‌کند.<sup>(۴۱)</sup> برای بیش‌تر اروپایی‌ها میزان پولی که برای انتخابات خرج می‌شود غیرقابل پذیرش است. به طور برابر، بسیاری از اروپایی‌ها فقدان بهداشت و امنیت اجتماعی را برای میلیون‌ها نفر از آمریکایی‌ها غیر قابل قبول می‌دانند.<sup>(۴۲)</sup>

در نظام انتخاباتی آمریکا، رئیس‌جمهور الزاماً بر مبنای اکثریت آرا یا نصف به‌علاوه یک آرا به کاخ سفید راه پیدا نمی‌کند. گاهی نامزد حائز اکثریت آرا در پشت درهای بسته کاخ ریاست جمهوری باقی می‌ماند. بنابر قانون اساسی فدرال، رئیس‌جمهور و معاون وی باید از طریق «کالج انتخاباتی»<sup>۴</sup> انتخاب شوند. هر ایالت از کالج انتخاباتی خاص خود برخوردار است و تعداد اعضای آن برابر با تعداد نمایندگان آن ایالت نزد کنگره است. بنابراین تعداد اعضای کالج‌های انتخاباتی هر ایالت متفاوت از ایالت دیگر است. به‌طور کلی مهم‌ترین ایرادهای نظام انتخاباتی ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا را می‌توان بدین شرح توضیح داد:

۱. طبق اصل «برنده همه چیز را می‌برد»، در هر ایالتی، نامزدی که اکثریت آرای مردم را

- 
1. Oliver Duhamel
  2. Lomond
  3. Harry Von Bommel
  4. Electoral College

به دست آورد در حقیقت تمام آرای الکترونی آن ایالت را متعلق به خود می‌سازد. تعداد آرای نامزد بازنده ولو با اختلاف کم، برای آن نامزد یک عدد کارت انتخاباتی و یک نفر انتخاب‌کننده هم ایجاد نمی‌کند یا به تعبیری دیگر تمام این آرای مردمی از درجه اعتبار ساقط می‌شوند.

۲. هر ایالتی برحسب میزان جمعیت خود، تعداد «کارت‌های انتخاباتی» و در نتیجه تعداد «انتخاب‌کنندگان» متفاوت، با ایالت‌های دیگر دارد. بنابراین در طول تبلیغات یا مبارزات انتخاباتی بیش‌ترین اهمیت به ایالت‌های بزرگ داده می‌شود و ایالت‌هایی که کارت‌های انتخاباتی کمی دارند نمی‌توانند توجه محافل سیاسی را به خود جلب کنند.

۳. با توجه به نهادینه شدن تحزب در امریکا در قالب نظامی دو حزبی، روند انتخاب ریاست جمهوری امریکا به گونه‌ای است که هیچ‌گاه حزب سوم یا کاندیدای منفردی نمی‌تواند به کاخ سفید راه یابد.

۴. با توجه به برتری «آرای الکترونی» ایالتی نسبت به آرای مردمی، رئیس‌جمهور می‌تواند به سادگی با احراز اکثریت نسبی - و نه مطلق - اعتماد امریکاییان، به کاخ سفید راه یابد. بدین ترتیب تنها یکی از دو کاندیدای دو حزب حاکم که بیش‌ترین رأی را در «کالج‌های انتخاباتی» به دست آورده باشد، هر چند که اکثریت ۵۰ درصد آرای مردمی را نیز کسب نکرده باشد، به ریاست جمهوری برگزیده می‌شود.

اروپاییان این ایرادات را به نظام انتخاباتی ریاست جمهوری امریکا وارد و آن را یکی از مصادیق مخدوش شدن حق انتخاب در این کشور، می‌دانند.<sup>۱</sup>

اختلاف دیگر میان اروپا و امریکا در حوزه حقوق بشر، مربوط به مجازات اعدام است. لغو مجازات اعدام، اصلی کلیدی و ابتکار اروپا برای برقراری دموکراسی و حقوق بشر است. اتحادیه اروپا مبارزه با مجازات اعدام را جزئی از استراتژی جهانی حقوق بشر کرده است. در سال ۲۰۰۱ در جریان اولین کنفرانس جهانی بر ضد اعدام، اتحادیه اروپا طی بیانیه‌ای اعلام کرد که این اتحادیه در بخش کاملی از سیاست خود در حوزه حقوق بشر تصمیم گرفته است که فعالیت‌های بین‌المللی خود بر ضد مجازات اعدام را تقویت کند. این سیاست اتحادیه اروپا تنها به امریکا مربوط نمی‌شود اما از آنجایی که امریکا از معدود کشورهای

۱. برای اطلاع بیش‌تر در مورد نظام انتخاباتی امریکا و اشکالات وارد بر آن ن.ک:

سیدمحمد طباطبایی، سیاست و انتخابات در ایالات متحده امریکا، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، صص ۵۹-۱۰۵.

پیشرفته است که هنوز از مجازات اعدام استفاده می‌کند، بیش‌ترین انرژی اروپا در این زمینه صرف امریکا می‌شود. هم اتحادیه اروپا و هم شورای اروپا در این زمینه فعال بوده‌اند. به لحاظ بین‌المللی، امریکا از حق یک کشور برای اعمال مجازات اعدام دفاع می‌کند هر چند که بسیاری از ایالت‌های امریکا چنین مجازاتی را اجرا نمی‌کنند.<sup>(۴۳)</sup> اروپا خواستار لغو مجازات اعدام در امریکاست و همین مسأله یکی از اختلافات دو طرف در زمینه حقوق بشر است. علاوه بر این، اختلاف بحث‌برانگیز دیگر ترانس آتلانتیک قابلیت اجرای حقوق بین‌المللی بشر دوستانه نسبت به کسانی است که در جریان مبارزه با تروریسم دستگیر می‌شوند. ایالات متحده نیروها و هواداران القاعده و طالبان را که در جنگ افغانستان دستگیر شده‌اند، در پایگاه نظامی خود در خلیج گوانتانامو<sup>۱</sup> نگهداری می‌کند. امریکا ابتدا اعلام کرد که دستگیرشدگان، مطابق با کنوانسیون ژنو زندانی جنگی محسوب نمی‌شوند. واشنگتن بعداً اظهار داشت که اعضای گروه طالبان حتی اگر امریکا این گروه را به لحاظ دیپلماتیک به رسمیت نشناخته باشد می‌توانند زندانی جنگی به حساب آیند. با این حال هواداران القاعده هنوز مشمول وضعیت زندانیان جنگی نیستند. در چنین شرایطی اروپایی‌ها انتقاد صریحی نسبت به این وضعیت داشته و استدلال می‌کنند که امریکا باید کنوانسیون‌های ژنو را همان‌طور که تصویب کرده اجرا کند. پارلمان اروپا قطعنامه‌ای را به تصویب رسانده است که از شورای امنیت سازمان ملل می‌خواهد تا برای زندانیان افغانستان دادگاهی تأسیس کند. اگر چنین دادگاهی تأسیس شود، افراد متهم به اقدامات تروریستی نباید در دادگاهی ملی محاکمه شوند، این امر اختیار امریکا در محاکمه این افراد را کاهش می‌دهد.

نمونه‌ای دیگر از اختلافات امریکا و اتحادیه اروپا به پذیرش پیمان‌های بین‌المللی درباره حقوق بشر مربوط می‌شود. اتحادیه اروپا اعلام کرده است که از این موافقتنامه‌ها حمایت می‌کند. ایالات متحده از هفت معاهده بین‌المللی اصلی مربوط به حقوق بشر سه معاهده را امضا کرده ولی به تصویب نرسانده است. سنای امریکا که نظر و موافقتش برای تصویب معاهدات لازم می‌باشد، نگران معاهدات حقوق بشر است. دلایل بسیاری برای عدم تمایل به تصویب این معاهدات وجود دارد، از جمله اعتقاد به این که حقوق اقتصادی و اجتماعی ملحوظ در این معاهدات بی‌اعتبارند و نگرانی درباره حقوق ایالت‌های داخلی و اعتقاد به این که رویه داخلی امریکا در زمینه حقوق بشر استانداردهای بالاتری نسبت به معاهدات پیشنهادی دارد.<sup>(۴۴)</sup> اتحادیه اروپا این استدلالات را نمی‌پذیرد و خواستار آن است

که امریکا تمامی معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر را به تصویب برساند. مجموعه این موارد، اختلافات دو کشور در حوزه حقوق بشر را تشکیل می‌دهد.

### ۲-۳. سلاح‌های کشتار جمعی

اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا نسبت به پیگیری مسائل مختلف مرتبط با موضوع سلاح‌های کشتار جمعی<sup>۱</sup> اهتمام ویژه‌ای دارند. تمرکز هر دو بازیگر در این زمینه عمدتاً معطوف به تلاش برای جلوگیری از گسترش این سلاح‌ها در سطح جهان است. اتحادیه اروپا گسترش سلاح‌های کشتار جمعی را بزرگ‌ترین تهدید بالقوه برای امنیت خود می‌داند. رژیم معاهدات بین‌المللی و ترتیبات کنترل صادرات، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و نظام‌های توزیع آن را کند کرده است. اتحادیه اروپا تأکید می‌کند که اکنون در حال ورود به یک دوره جدید و خطرناک هستیم که احتمال رقابت تسلیحاتی در زمینه سلاح‌های کشتار جمعی به ویژه در خاورمیانه زیاد است. پیشرفت در علوم بیولوژیکی ممکن است قابلیت سلاح‌های بیولوژیکی را در سال‌های آینده افزایش دهد. حملات به وسیله مواد شیمیایی و رادیولوژیکی<sup>۲</sup> نیز یک احتمال جدی محسوب می‌شود. گسترش تکنولوژی موشکی هم عنصر دیگر بی‌ثباتی است که می‌تواند خطر فزاینده‌ای را متوجه اروپا کند. اتحادیه اروپا وحشتناک‌ترین سناریو را، این می‌داند که گروه‌های تروریستی به سلاح‌های کشتار جمعی دست پیدا کنند. در چنین شرایطی یک گروه کوچک قادر است در سطحی آسیب برساند که پیش از این فقط دولت‌ها و ارتش‌ها قادر به انجام آن بودند.<sup>(۴۵)</sup> در زمینه راهبرد مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی، استراتژی امنیتی اروپا با نام «یک اروپای امن در یک جهان بهتر»<sup>۳</sup> که در دسامبر ۲۰۰۳ از سوی شورای اروپا<sup>۴</sup> اتخاذ شد گسترش سلاح‌های کشتار جمعی را تهدیدی کلیدی برای امنیت اتحادیه اروپا معرفی کرد. این شورا همچنین به عنوان بخشی از اجرای استراتژی امنیتی اروپا، راهبرد اتحادیه اروپا برضد سلاح‌های کشتار جمعی را برای رفع این تهدید اتخاذ کرده است. در اکتبر ۲۰۰۳، خاویر سولانا<sup>۵</sup> نماینده عالی اتحادیه اروپا به منظور هماهنگی، کمک

1. Weapons of Mass Destruction
2. Chemical and Radiological Materials
3. A Secure Europe in a Better World
4. European Council
5. Javier Solana

به اجرا و توسعه بیش‌تر استراتژی اتحادیه اروپا برضد گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و همچنین برای تمرکز قوی‌تر بر این مسائل در مذاکرات با کشورهای ثالث نماینده‌ای ویژه برای عدم تکثیر این سلاح‌ها تعیین کرد. اجرای استراتژی اتحادیه اروپا درباره سلاح‌های کشتار جمعی در برگیرنده اقدامات کلیدی زیر است:

- اهتمام شدید به تشویق جهانشمولی و تقویت موافقتنامه‌های چندجانبه برای جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و ابزارهای توزیع و تحویل آن،  
- تقویت کنترل‌های صادراتی.

### الف. در داخل اتحادیه اروپا

۱. بازنگری نظام‌های کنترل صادرات در شرف نهایی شدن است.  
۲. توسعه یک نظام اصلاح شده برای تبادل اطلاعات درباره موارد رد اجازه صادرات که این اطمینان را ایجاد می‌کند که اشاعه دهندگان تجهیزات و تسلیحات نمی‌توانند برای فرار از ترتیبات کنترل صادرات تجهیزات با کاربرد دوگانه از یک کشور عضو اتحادیه اروپا برای یک کشور دیگر تجهیزات خریداری کنند.

### ب. خارج از اتحادیه اروپا

- برای جلوگیری از انتقال مواد و تکنولوژی مرتبط با سلاح‌های کشتار جمعی به کشورهایی که درباره آن‌ها نگرانی وجود دارد برنامه‌های مناسبی برای بازیگران غیردولتی جهت ارائه کمک به کشورهای ثالث پیش‌بینی شده است.  
- تلاش برای جنایی کردن فعالیت‌هایی که به گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و مواد مرتبط با این سلاح‌ها کمک می‌کنند.  
- افزایش محافظت فیزیکی از مواد و تأسیسات هسته‌ای و کنترل‌های بهتر درباره استفاده، ذخیره سازی و مصرف منابع رادیواکتیوی.<sup>۱</sup>  
- ارائه و انتشار منابع مالی برای حمایت از تلاش‌هایی که از سوی نهادهای چندجانبه‌ای نظیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی<sup>۲</sup>، سازمان منع تسلیحات شیمیایی<sup>۳</sup> و سازمان پیمان منع

---

1. Radio - Active Sources  
2. International Atomic Energy Agency (IAEA)  
3. Organization for Prohibition of Chemical Weapons (OPCW)

جامع آزمایشات هسته‌ای<sup>۱</sup> صورت می‌گیرد. یک اقدام اولیه مشترک در حمایت از طرح اقدام امنیت هسته‌ای<sup>۲</sup> سازمان بین‌المللی انرژی اتمی که در راستای مبارزه با تهدید تروریسم هسته‌ای<sup>۳</sup> طراحی شده اتخاذ گردیده است.<sup>(۴۶)</sup>

بدین ترتیب و از طریق تمهید برنامه‌ها و راهکارهای فوق، اتحادیه اروپا عملاً یکی از بازیگران فعال و حساس نسبت به موضوع گسترش و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی در جهان بوده و پرداختن به این مهم را در چارچوب ملاحظات سیاست خارجی خود تعریف کرده است.

درباره مواضع ایالات متحده آمریکا در برابر سلاح‌های کشتار جمعی باید اظهار داشت که این کشور نیز در چارچوب ملاحظات و منافع جهانی خویش برخورد فعالی را درباره این موضوع اختیار کرده است. موضع ایالات متحده در برابر سلاح‌های کشتار جمعی تحت تأثیر نگرش و برداشت کلان آن نسبت به مسائل و فرایندهای نوین جهانی است. مطابق با موضع رسمی وزارت امور خارجه آمریکا، تهدید اصلی نسبت به امنیت این کشور، از سوی یک ابرقدرت رقیب مطرح نمی‌شود. امروزه آمریکا، بلاواسطه از سوی گروه‌های تروریستی - به ویژه اگر در صدد استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی بر ضد این کشور باشند - تهدید می‌شود. از این رو جلوگیری از گسترش این سلاح‌های مرگبار و روش‌های تحویل، توزیع آن و کاهش شمار سلاح‌های موجود اولین اولویت برای وزارت امور خارجه امریکاست. این وزارتخانه مدعی است که از طریق پافشاری بر اجرای کامل مقررات رژیم‌های بین‌المللی کنترل تسلیحات، به دنبال تقویت رژیم‌هایی است که به مقابله با سلاح‌های کشتار جمعی می‌پردازند. وزارت امور خارجه آمریکا تأکید کرده است که امنیت این کشور به آمادگی و مهارت حکومت آمریکا برای حفاظت از شهروندان خود بر ضد این تهدید مهلک بستگی دارد و این وزارتخانه رهبر کلیدی این مبارزه محسوب می‌شود.<sup>(۴۷)</sup>

راهبرد اساسی آمریکا برای مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی در سندی که با همین عنوان در دسامبر ۲۰۰۲ منتشر شد به وضوح بیان شده است. استراتژی ملی مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی بالاترین و مهم‌ترین سند رسمی آمریکا در زمینه مبارزه با این تسلیحات به حساب می‌آید. در مقدمه این سند تصریح شده است که سلاح‌های کشتار جمعی - هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی - که در اختیار دولت‌های دشمن و تروریست‌هاست

1. The Comprehensive Test-Ban Treaty Organization (CTBTO)

2. Nuclear Security Action Plan

3. Nuclear Terrorism



نشان‌دهنده یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های امنیتی رویاروی امریکاست و این کشور باید برای مقابله با این تهدید در همه ابعاد آن استراتژی جامعی را دنبال کند.

طبق این سند استراتژی امریکا برای مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی از سه رکن اصلی برخوردار است که عبارتند از:

۱. جلوگیری از گسترش این سلاح‌ها برای مبارزه با استفاده از آن‌ها،
۲. تقویت فرایند منع تکثیر برای مبارزه با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی،
۳. شیوه مدیریت پیامدی برای پاسخ به استفاده از این سلاح‌ها.

درباره رکن سوم، تأکید شده است که ایالات متحده باید در زمینه واکنش به استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی برضد شهروندان و نیروهای نظامی امریکا و دوستان و متحدان این کشور آمادگی داشته باشد. برنامه‌های امریکا در این زمینه شامل آموزش، برنامه‌ریزی و کمک به ایالات و حکومت‌های محلی است. اولین دسته از کسانی که به حملات پاسخ خواهند داد باید مجموعه کاملی از ابزارهای محافظتی، پزشکی و درمانی را برای شناسایی، ارزیابی و پاسخ سریع به حملات در خاک امریکا در اختیار داشته باشند.

این سه محور، محورهای استراتژی ملی امریکا برای مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی و عناصر یکپارچه یک رهیافت جامع نسبت به این موضوع معرفی شده‌اند. در سند استراتژی ملی امریکا به تفصیل درباره جزئیات هر یک از سه محور فوق (مبارزه با تکثیر، منع تکثیر و مدیریت پیامدی) بحث شده است. همچنین برای تحقق اهداف امریکا در این زمینه بهره‌گیری از اهرم مجازات در نظر گرفته شده است. طبق این سند اعمال مجازات بخش ارزشمندی از استراتژی کلی امریکا برضد گسترش سلاح‌های کشتار جمعی است. البته مجازات‌ها بارها خود را غیرمنعطف و غیرمؤثر نشان داده‌اند. از این رو تصریح شده است که یک سیاست اعمال مجازات جامع برای ادغام بهتر این اهرم در داخل استراتژی کلی امریکا تعبیه خواهد شد و برای تحکیم و اصلاح قوانین با کنگره در زمینه مجازات‌ها همکاری خواهد شد.

در پایان این سند، اهمیت ادغام و ترکیب محورهای سه‌گانه استراتژی امریکا برای مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی بیان شده است و کارویژه‌های مختلفی به عنوان عوامل مؤثر برای ادغام این محورها معرفی شده‌اند. این کارویژه‌ها عبارتند از: جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات بهتر، تحقیق و توسعه، تقویت همکاری بین‌المللی و استراتژی‌های هدف برضد اشاعه‌دهندگان سلاح‌های کشتار جمعی.<sup>(۴۸)</sup>

ایالات متحده امریکا در چارچوب این استراتژی کلی، سیاست خود در مورد سلاح‌های کشتار جمعی را پی‌می‌گیرد. به ویژه پس از حملات یازدهم سپتامبر و آگاهی از توان و قابلیت گروه‌های تروریستی، برخورد امریکا با این موضوع جنبه فعال‌تری به خود گرفته است. طبق متون رسمی و غیررسمی که از سوی نهادهای حکومتی و مراکز مطالعاتی امریکا منتشر شده است به نظر می‌رسد که این کشور بدترین سناریوی امنیتی فراروی خود را امکان دستیابی گروه‌های تروریستی یا دولت‌های ضد امریکایی به سلاح‌های کشتار جمعی به خصوص سلاح‌های هسته‌ای ارزیابی می‌کند. این مسأله سبب شده است که ایالات متحده در برخورد با مسأله تکثیر سلاح‌های هسته‌ای برخورد سختگیرانه‌تر و در عین حال یکجانبه‌گرایانه‌تری را در پیش گیرد. نقطه اوج این سیاست به حمله نظامی گسترده امریکا به عراق در ابتدای سال ۲۰۰۳ و ساقط کردن رژیم حاکم بر این کشور مربوط می‌شود. این حمله دقیقاً به بهانه جلوگیری از دستیابی رژیم صدام به سلاح‌های هسته‌ای انجام شد.

در مجموع ایالات متحده امریکا نیز همچون اتحادیه اروپا از مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل در فرایندها و معادلات مرتبط با مسأله تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی است، اما در مقام مقایسه میان مواضع و عملکرد اروپا و امریکا در برابر این سلاح‌ها باید به چند نکته اشاره داشت که عبارتند از:

۱. هر دو بازیگر، تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی را تهدیدی برای ثبات و امنیت خود و جهان می‌دانند.

۲. نوعی تبعیض در برخورد اتحادیه اروپا و امریکا با موضوع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی وجود دارد که براساس آن کیفیت برخورد با دولت‌های متحد و غیرمتحد را در این حوزه متفاوت می‌سازد. امریکا و اروپا در برابر آن دسته از دولت‌های غیرمتحد با غرب که از تعهدات بین‌المللی خود در زمینه منع تکثیر تسلیحات کشتار جمعی عدول می‌کنند برخورد سختگیرانه‌تر و شدیدتری نسبت به دولت‌های متحد ناقض این تعهدات دارند.

این تبعیض به وضوح در مقدمه سند استراتژی ملی امریکا برای مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی نمود یافته است. در این سند تأکید شده است که سلاح‌های کشتار جمعی اعم از هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی که در اختیار دولت‌ها و تروریست‌های دشمن امریکا است، از بزرگ‌ترین چالش‌های امنیتی امریکا به حساب می‌آیند. بدین ترتیب امریکا درباره دستیابی دولت‌ها یا گروه‌های دوست به این سلاح‌ها نگرانی ندارد. این تبعیض ویژگی مشترک اروپا و امریکا در برخورد با موضوع سلاح‌های کشتار جمعی است. مصداق عینی این

امر سکوت آن‌ها در برابر فعالیت‌ها و برنامه‌های هسته‌ای اسرائیل و سختگیری‌شان نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای ایران است.

۳. نکته دیگری که درباره مقایسه دیدگاه‌ها و مواضع اتحادیه اروپا و آمریکا در برابر سلاح‌های کشتار جمعی می‌توان ابراز داشت این است که برخورد آمریکا با این موضوع وجهه تهاجمی تری نسبت به سیاست‌های اتحادیه اروپا دارد. این مسأله به لحاظ راهبردی موجبات اتخاذ سیاست عملیات پیشگیرانه برای جلوگیری از تکثیر تسلیحات کشتار جمعی از سوی آمریکا را در پی داشته است در حالی که چنین سیاستی در میان اروپائیان هنوز به وجود نیامده است.

#### ۲-۴. مناقشه خاورمیانه

مناقشه اعراب و اسرائیل در مسأله فلسطین از موضوعات مهم و حساس بین‌المللی در نیم قرن اخیر بوده است. این مناقشه بدون شک یکی از مهم‌ترین فاکتورهای تأثیرگذار بر معادلات سیاسی و امنیتی منطقه خاورمیانه در چند دهه گذشته بوده است. اهمیت و حساسیت این مناقشه موجبات ورود بازیگران بین‌المللی به مسائل و فرایندهای مرتبط با آن را فراهم ساخته و این مسأله اهمیت بین‌المللی مناقشه را افزایش داده است. در این میان اتحادیه اروپا و به ویژه ایالات متحده آمریکا مهم‌ترین بازیگران فرامنطقه‌ای تأثیرگذار بر معادلات این مناقشه به حساب می‌آیند. هر دو بازیگر به اعتبار ملاحظات و محاسبات خود توجه دقیقی نسبت به مناقشه اعراب و اسرائیل دارند و سیاست فعالی را در قبال آن اتخاذ کرده‌اند.

برخورد اتحادیه اروپا با مناقشه خاورمیانه به لحاظ نظری مبتنی بر تصورات و مفروضاتی است که این اتحادیه نسبت به مناقشات منطقه‌ای و پیامدهای بعدی آن دارد. براساس موضع اتحادیه اروپا مناقشات شدید و لاینحل که همچنان در مرزهای این اتحادیه مداومت دارند، ثبات منطقه‌ای را تهدید می‌کنند. این مناقشات زندگی انسان‌ها و زیربنای اجتماعی و فیزیکی را تخریب و حقوق اقلیت‌ها، آزادی‌های اساسی و حقوق بشر را تهدید می‌کنند. مناقشه می‌تواند به افراط‌گرایی، تروریسم و شکل‌گیری دولت ناتوان منجر شده و برای جرائم سازمان یافته فرصت ایجاد کند. بی‌ثباتی منطقه‌ای می‌تواند تقاضا برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی را افزایش دهد.<sup>(۴۹)</sup>

براساس همین ملاحظات، اتحادیه اروپا معتقد است که تداوم مناقشه میان اعراب و اسرائیل موجبات بی‌ثباتی منطقه، گسترش تهدیدات اروپا و افزایش ضریب ناامنی جهانی را فراهم خواهد

ساخت. از این رو این اتحادیه به شدت از برقراری صلح میان دو طرف حمایت می‌کند. طبق مواضع رسمی، اتحادیه اروپا خود را به ایده ایجاد دو دولت در منطقه متعهد می‌داند؛ یکی دولت اسرائیل و دیگری دولت پایدار و دموکراتیک فلسطینی که در کنار یکدیگر در چارچوب صلح جامع خاورمیانه به نحوی که در طرح نقشه راه<sup>۱</sup> گنجانده شده در صلح و امنیت زندگی خواهند کرد. در این زمینه باید راه‌حلی عادلانه برای مسأله پیچیده بیت‌المقدس و حل‌وفصل عادلانه، پایدار و توافقی موضوع آوارگان فلسطینی پیدا شود. به طور کلی در زمینه مواضع اعلامی اتحادیه اروپا نسبت به مناقشه خاورمیانه از طریق بررسی متون رسمی که از سوی این اتحادیه منتشر شده است علاوه بر نکات فوق، می‌توان به محورها و ملاحظات زیر اشاره داشت:

- اتحادیه اروپا انجام اصلاحات در داخل نهادهای فلسطینی را عاملی مؤثر و مهم در کمک به فرایند صلح دانسته و از آن حمایت می‌کند. مسأله مهم فلسطین انجام اصلاحات و نهادسازی<sup>۲</sup> است که باید از درون صورت پذیرد.

- یکی از مهم‌ترین و ثابت‌ترین مواضع اتحادیه اروپا درباره مناقشه خاورمیانه مربوط به مخالفت آن با اقدامات برخی گروه‌های فلسطینی است که با نام عملیات استشهادی برضد اسرائیلی‌ها صورت می‌پذیرد. اتحادیه اروپا با تروریستی خواندن این اقدامات بر ضرورت پرهیز فلسطینی‌ها از این گونه عملیات تأکید می‌کند. اتحادیه اروپا اعلام کرده است که تمامی حملات تروریستی بر ضد غیرنظامیان اسرائیلی را محکوم کرده و حق اسرائیل برای حفاظت از شهروندان خود در برابر این حملات را - طبق حقوق بین‌الملل - به رسمیت می‌شناسد. اتحادیه اروپا همچنین از مقامات فلسطینی می‌خواهد تا اراده و تصمیم خود را بر ضد خشونت افراط‌گرایانه به نمایش گذارند و با اشخاص و گروه‌هایی که این حملات را هدایت و برنامه‌ریزی می‌کنند مقابله کنند.

اتحادیه اروپا از اسرائیل دعوت می‌کند تا برای متوقف ساختن کشتارهای خارج از چارچوب‌های قضایی و رفع محدودیت‌ها و کلیه موانع تحمیل شده به مردم فلسطین و متوقف ساختن فعالیت‌های مربوط به اسکان یهودیان و منحل کردن این نوع از اسکان شهروندان نیروهای نظامی خود را عقب براند.

- اتحادیه اروپا تصمیم دارد که در تمامی ابعاد به اجرای طرح نقشه راه کمک کرده و از

---

1. Road map  
2. Institution – Building

ایجاد سازوکاری نظارتی، معتبر و مؤثر از سوی یک طرف ثالث حمایت کند.  
- اتحادیه اروپا به همکاری با مقامات و جامعه فلسطین و نیز به همکاری با شرکای بین‌المللی برای تقویت راه‌حلی برای این مناقشه براساس اصول تساهل، احترام به دموکراسی و حقوق بشر ادامه خواهد داد.

در حوزه عمل از نظر سابقه برخورد اتحادیه اروپا با مسأله بحران خاورمیانه باید اظهار داشت که موضع اساسی این اتحادیه درباره مسأله صلح خاورمیانه<sup>۱</sup> اولین بار به‌وسیله شورای اروپا در بیانیه سال ۱۹۸۰ تنظیم شد و این موضع به دفعات در جلسات بعدی و اجلاس‌های شورای امور عمومی مجدداً تأیید شده است. برخی از بیانیه‌ها و ایده‌های اتحادیه اروپا که از مراحل برجسته فرایند صلح قلمداد می‌شوند عبارتند از: بیانیه ونیز در ۱۳ ژوئن ۱۹۸۰، بیانیه برلین در ۲۴ مارس ۱۹۹۹ و بیانیه سویل در ۲۲ ژوئن ۲۰۰۲.

در سال ۱۹۹۶ اتحادیه اروپا میکوئل موراتینوس<sup>۲</sup> را به عنوان نماینده ویژه خود در فرایند صلح خاورمیانه تعیین و در ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۳ مارک اوتته<sup>۳</sup> را به سمت وی منصوب کرد. وظیفه این نماینده عبارت است از:

- حمایت فعال از اقدامات و ابتکاراتی که به حل‌وفصل نهایی مناقشه می‌انجامد.
- کمک به اجرای موافقتنامه‌های بین‌المللی که میان طرفین منعقد شده است.
- گزارش درباره احتمال دخالت اتحادیه اروپا و بهترین شیوه پیگیری ابتکارات این اتحادیه و تلاش‌های جاری اتحادیه درباره فرایند صلح خاورمیانه.
- نظارت بر آن دسته از اقدامات طرفین که ممکن است در نتیجه مذاکرات پایدار تبعیض ایجاد کند.
- تسهیل همکاری درباره موضوعات امنیتی.

کمیسیون اروپا به طور کامل از طریق مشارکت در گروه چهارجانبه (شامل نمایندگان امریکا، سازمان ملل، روسیه و اتحادیه اروپا) و فرایند نقشه راه از موضع اتحادیه اروپا در فرایند صلح خاورمیانه حمایت می‌کند.

نقش اتحادیه اروپا در فرایند صلح خاورمیانه در سال‌های گذشته افزایش یافته است. این اتحادیه در فرایند صلح خاورمیانه از طریق برگزاری جلسات منظم با بازیگران اصلی درگیر در مناقشه نیرویی تسهیل‌کننده به شمار می‌آید. اتحادیه اروپا یکی از چهار بازیگر

---

1. Middle East Peace Process  
2. Michael Moratunus  
3. Mark Otte

عضو گروه چهارجانبه بین‌المللی همراه با آمریکا، روسیه و سازمان ملل به حساب می‌آید. این اتحادیه به طور چشمگیری در تنظیم طرح نقشه راه دخالت داشت. گروه چهار خود را به کمک و تسهیل اجرای این طرح سه مرحله‌ای متعهد کرده است.<sup>(۵۰)</sup> مجموعه این فعالیت‌ها اتحادیه اروپا را به بازیگری مهم در معادلات مربوط به مناقشه خاورمیانه تبدیل کرده است. درباره مواضع و عملکرد ایالات متحده آمریکا درباره مناقشه خاورمیانه به دلیل تاریخ طولانی ورود واشنگتن به این مناقشه و اتخاذ سیاست فعال نسبت به آن، مطالب و مباحث مختلف و متعددی را می‌توان بیان داشت.

ایالات متحده آمریکا نزدیک‌ترین متحد اسرائیل در سراسر دوران حیات این رژیم بوده است. رژیم حاکم بر سرزمین‌های اشغالی از همان ابتدای قدرت‌یابی خود از حمایت دولت آمریکا برخوردار بوده است. نحوه ورود ایالات متحده به مناقشه اعراب و اسرائیل ورودی غیربی‌طرفانه و جانبدارانه از جانب آمریکا نسبت به اسرائیل است.

مجمع عمومی سازمان ملل در نوامبر ۱۹۴۷، قاطعانه به پیشنهاد تقسیم فلسطین به دو دولت عربی و یهودی رأی داد. ایالات متحده آمریکا در آن زمان نه‌تنها این طرح را پذیرفت، بلکه مجدانه به ترویج این طرح میان سایر اعضای سازمان ملل پرداخت. آمریکا در تأمین حمایت از قطعنامه تقسیم فلسطین نقشی کلیدی ایفا کرد.<sup>(۵۱)</sup> در اولین سال‌های پایان جنگ جهانی دوم و در زمانی که دولت ترومن<sup>۱</sup> اداره آمریکا را برعهده داشت، برخی نیروها و نهادهای حکومتی در این کشور با حمایت کامل واشنگتن از اسرائیل مخالفت کرده و معتقد بودند که این سیاست به موقعیت آمریکا در کشورهای عربی لطمه می‌زند، منافع آمریکا در منطقه خاورمیانه به ویژه در مورد نفت را به خطر می‌اندازد و زمینه نزدیکی اعراب به اتحاد شوروی را فراهم خواهد ساخت.

با این حال تحت تأثیر عوامل و مؤلفه‌هایی نظیر نفوذ قوی لابی یهودی در جامعه آمریکا، حمایت از رژیم اسرائیل به سیاست برگشت‌ناپذیر واشنگتن در منطقه خاورمیانه تبدیل شد؛ زمانی که طرح تقسیم فلسطین به مجمع عمومی سازمان ملل برده می‌شد مقامات آمریکایی به کشورهایی که به دادن رأی منفی به این قطعنامه تمایل داشتند فشار آورد و حتی آن‌ها را به خودداری از ارائه کمک‌های پیشنهادی تهدید کرد.<sup>(۵۲)</sup>

حمایت آمریکا از رژیم اسرائیل در آن زمان نقش مؤثری در تثبیت موقعیت این رژیم ایفا کرد و در عین حال نگرش جانبدارانه واشنگتن به مناقشه خاورمیانه را به خوبی آشکار

---

1. Truman

ساخت. اوون ویلسون<sup>۱</sup> معاون رئیس بخش امور خاور نزدیک وزارت امور خارجه امریکا در آن زمان در نامه‌ای که بعدها برای ترومن رئیس جمهوری سابق این کشور نوشت تصریح کرد: «مبالغه‌آمیز نیست اگر گفته شود که روابط ما با کل جهان عرب پس از وقایع سال‌های ۱۹۴۷-۱۹۴۸ هرگز ترمیم نشده است. در این زمان ما (امریکا) در کنار یهودی‌ها بر ضد اعراب قرار گرفتیم و از راه‌حلی در فلسطین استفاده کردیم که در تقابل با حق تعیین سرنوشت<sup>۲</sup> اکثریت مردم این کشور بود».<sup>(۵۳)</sup>

ایالات متحده امریکا در مراحل و مقاطع مختلف و حساس تاریخی در نیم قرن اخیر همواره سیاست حمایت از رژیم اسرائیل را در مناقشه با اعراب در دستور کار خود قرار داده است. این کشور در مقاطع حساسی نظیر بحران کانال سوئز (۱۹۵۶)، تهاجم به لبنان (۱۹۵۸)، جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل (۱۹۶۷)، جنگ رمضان (۱۹۷۳) موافقتنامه‌های کمپ دیوید (۱۹۷۸)، جنگ لبنان (۱۹۸۳-۱۹۸۲) و پیدایش و اوج‌گیری انتفاضه همواره از منافع و مواضع اسرائیل در برابر اعراب حمایت نموده است. در عین حال نزدیکی به کشورهای عربی و اعمال فشار بر آن‌ها برای به رسمیت شناختن اسرائیل و دوری از سیاست مبارزه با اسرائیل نیز یکی دیگر از سیاست‌های شاخص امریکا نسبت به مناقشه اعراب و اسرائیل در طول این سال‌ها بوده است.

حمایت‌های امریکا از اسرائیل طیف مختلفی از حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی را دربرمی‌گیرد. در بعد سیاسی تلاش برای بهبود روابط کشورهای منطقه با این رژیم، حمایت از مواضع آن در سازمان ملل و به خصوص وتو کردن مکرر قطعنامه‌های ضداسرائیلی در شورای امنیت از مهم‌ترین حمایت‌های واشنگتن از تل‌آویو به حساب می‌آید.

در بعد اقتصادی کمک‌های امریکا به اسرائیل بسیار قابل توجه بوده و در تثبیت موقعیت این رژیم مؤثر بوده است. به نوشته یک تاریخدان به نام ناداو سفران<sup>۳</sup>، در نوزده سال اول موجودیت اسرائیل، ایالات متحده به اشکال مختلف نزدیک به ۱/۵ میلیارد دلار به این رژیم اعطا کرد. این رقم بالاترین میزان کمک امریکا به یک کشور بوده است.<sup>(۵۴)</sup> براساس گزارش سرویس تحقیقاتی کنگره امریکا، بین سال‌های ۱۹۴۹-۶۵ میانگین کمک‌های امریکا به اسرائیل سالانه ۶۳ میلیون دلار بوده و بیش از ۹۵ درصد از این کمک‌ها به توسعه

1. Owen Wilson  
2. Self - Determination  
3. Nadav Safran

اقتصادی و کمک‌های غذایی مربوط بوده است.

با این حال از سال ۷۰-۱۹۶۶ میانگین کمک به اسرائیل به سالانه ۱۰۲ میلیون دلار افزایش یافت.<sup>(۵۵)</sup>

از سال ۱۹۹۲ ایالات متحده سالانه ۲ میلیارد دلار به عنوان وام به اسرائیل اعطا می‌کند.<sup>(۵۶)</sup>

درباره کمک‌های نظامی نیز باید تأکید کرد که ارائه این قبیل کمک‌ها بخش مهم و قابل توجهی از روابط دوجانبه آن‌ها را تشکیل داده است.

ایالات متحده آمریکا از طریق ارائه این کمک‌ها در فرایند تبدیل اسرائیل به قدرتی نظامی در منطقه خاورمیانه نقش اصلی را ایفا کرده است. بین سال‌های ۷۰-۱۹۶۶ از میانگین سالانه ۱۰۲ میلیون دلار کمک مالی آمریکا به اسرائیل ۴۷ درصد سهم کمک‌ها و وام‌های نظامی بوده است. کمک‌های نظامی به اسرائیل در یک افزایش شگفت‌آور از ۳۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۵ به ۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۹ رسید.<sup>(۵۷)</sup>

کنگره آمریکا از سال ۱۹۸۷ سالانه لایحه‌ای را درباره کمک خارجی تصویب می‌کند. بر همین اساس به طور میانگین ۱/۸ میلیارد دلار کمک نظامی به اسرائیل اختصاص می‌یابد. سه چهارم کمک نظامی به اسرائیل مربوط به واردات تجهیزات نظامی ساخت آمریکا نظیر هواپیماهای اف-۱۶ و هلیکوپترهای تهاجمی آپک<sup>۱</sup> بوده است. اسرائیل همچنین برای توسعه تجهیزات نظامی کارآمدتر با آمریکا همکاری کرده است. حدود یک چهارم کمک نظامی آمریکا به اسرائیل در حوزه تحقیق و توسعه نظامی هزینه می‌شود؛ حوزه‌ای که اختراعات متعددی در زمینه جنگنده‌های جت، تجهیزات موشکی، کشتی‌های جنگی و ابداعات مربوط به هدف‌گیری در جنگ در آن به انجام رسیده و تولیدات آن به خود آمریکا هم فروخته می‌شود.

در عین حال ۷۵ درصد از کمک نظامی آمریکا به اسرائیل به خرید تجهیزات نظامی ساخت آمریکا نظیر تانک، مسلسل، گلوله، هلیکوپترهای جنگی و ... اختصاص می‌یابد.<sup>(۵۸)</sup>

طرح این واقعیات به این دلیل است که سطح روابط استراتژیک میان آمریکا و اسرائیل تبیین شود. دو طرف همواره یکدیگر را متحد استراتژیک خود در عرصه نظام بین‌الملل معرفی کرده‌اند. از این رو به طور طبیعی جهت‌گیری ایالات متحده آمریکا در برابر مناقشه میان اعراب و اسرائیل در راستای حفظ منافع متحد خود بوده است. مجموعه اقدامات و



ابتکارات ایالات متحده برای حل و فصل این مناقشه نظیر طرح موسوم به نقشه راه از سطح بالای سازگاری با منافع اسرائیل برخوردار بوده است. به همین دلیل جامعه بین‌المللی نحوه ورود و برخورد ایالات متحده امریکا نسبت به مناقشه خاورمیانه را برخوردی بی‌طرفانه قلمداد نمی‌کنند. ایالات متحده استراتژی تثبیت موقعیت اسرائیل در منطقه را از طریق اجرای دو سیاست اصلی پیگیری می‌کند. **اول** تلاش برای تعدیل نگاه دولت‌های عرب نزدیک به امریکا نسبت به اسرائیل. در این راستا، ایالات متحده در زمینه نزدیکی کشورهای همچون مصر و اردن به رژیم اسرائیل تلاش‌های متعددی داشته است. **دوم** تلاش برای تضعیف نفوذ دولت‌ها و گروه‌های مسلمانی که از استراتژی مبارزه با اسرائیل به عنوان بهترین و تنهاترین راهکار تأمین حقوق فلسطینی‌ها حمایت می‌کنند. معارضان امریکا با کشورهای نظیر ایران و سوریه به منظور تضعیف نفوذ آن‌ها در معادلات و ترتیبات مرتبط با بحران خاورمیانه به همین دلیل است.

اروپا سیاست تضعیف و حذف گروه‌های مبارزی نظیر حماس، جهاد اسلامی و حزب‌ها... را دنبال کرده است و تلاش می‌کند تا از طریق تمهیداتی نظیر گنجاندن آن‌ها در فهرست‌های تروریستی و مشروعیت‌زدایی از ایدئولوژی و عملکرد آن‌ها به اهداف خود در این زمینه دست یابد. ایالات متحده برای پیشبرد این سیاست‌ها تا حدود زیادی موفق به جلب همکاری و همراهی اتحادیه اروپا نیز شده است.

یکی از طرح‌های مهم امریکا درباره کل منطقه خاورمیانه که دارای آثار اجتناب‌ناپذیر برای مناقشه اعراب و اسرائیل خواهد بود طرح خاورمیانه بزرگ<sup>۱</sup> است. ایالات متحده امریکا در پایان سال ۲۰۰۳ با هدف ایجاد تغییرات سیاسی گسترده در منطقه خاورمیانه این طرح را ارائه داد. پس از مناظرات بین‌المللی طولانی درباره این طرح، کنفرانس سران کشورهای گروه هشت در ژوئن ۲۰۰۴ با انجام اصلاحاتی آن را با نام جدید «مشارکت برای پیشرفت و آینده مشترک با منطقه بزرگ‌تر خاورمیانه و شمال آفریقا»<sup>۲</sup> تأیید کرد. هدف کلی از این طرح فراهم کردن شرایط برای تغییرات گسترده سیاسی و فرهنگی در کشورهای خاورمیانه برای کاهش چالش‌ها و تهدیدات در این منطقه (از جمله تروریسم) است. ایالات متحده معتقد است که موفقیت این طرح می‌تواند در ثبات پایدار در خاورمیانه نقش مؤثری داشته باشد.

1. Greater Middle East

2. Partnership for Progress and a Common Future with the Region of the Broader Middle East and North Africa

با وجود دیدگاه‌های مشترک میان اروپا و آمریکا درباره مسائل منطقه خاورمیانه، دیدگاه دو طرف نسبت به طرح خاورمیانه بزرگ از هماهنگی کامل برخوردار نیست. اتحادیه اروپا در برخورد با مسائل خاورمیانه بیش‌تر به محیط امنیتی فوری خود در حوزه مدیترانه توجه دارد. این منطقه از اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیکی خاصی برای اروپا برخوردار است. این در حالی است که ایالات متحده آمریکا طبق طرح خاورمیانه بزرگ بر حوزه‌ای وسیع‌تر تمرکز دارد که علاوه بر حوزه مدیترانه (شمال آفریقا و خاور نزدیک) خلیج فارس، آسیای مرکزی تا پاکستان را در بر می‌گیرد.<sup>(۵۹)</sup> اتحادیه اروپا بیش‌تر مایل است تا ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود را مصروف آن بخش از منطقه خاورمیانه کند که به لحاظ ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی اهمیت بیش‌تر و بالاتری برای این مجموعه دارد.

نکته دیگر درباره دیدگاه‌های اروپا و آمریکا نسبت به طرح خاورمیانه بزرگ که با مناقشه اعراب و اسرائیل نیز ارتباط پیدا می‌کند این است که ایالات متحده در توجیه اجرای این طرح استدلال می‌کند که شرایط نامناسب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در منطقه خاورمیانه سبب مشکلاتی نظیر تروریسم در این منطقه است. از طرف دیگر این شرایط نامناسب باعث طولانی شدن مناقشات منطقه‌ای از جمله بحران اعراب و اسرائیل است. از این‌رو تغییر شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منطقه می‌تواند چالش‌ها و تهدیدات را از بین ببرد.

در مقابل، اروپایی‌ها با این موضوع موافقت می‌کنند که شرایط نامساعد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در خاورمیانه و شمال آفریقا تهدیدات و مخاطراتی را برای امنیت آن‌ها ایجاد می‌کند. با این حال از نظر آن‌ها خطر این نیست که این شرایط نامناسب به شکل‌گیری تروریسم می‌انجامد، بلکه خطر این است که شرایط نامناسب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجب بروز بی‌ثباتی و توسعه‌نیافتگی در کشورهای منطقه شده و این امر تأثیرات فزاینده مهمی برای کشورهای اروپایی خواهد داشت. به علاوه نگرش مشترک اروپایی‌ها این است که علاوه بر شرایط نامساعد در منطقه، مشکلات سیاسی بین‌المللی مهمی (به‌طور خاص مشکل فلسطین و اسرائیل) هم وجود دارند که باید به طریقی حل شوند که محیطی فراهم شود که در آن روابط مسالمت‌آمیز حاکم شود.

اروپایی‌ها درباره تقویت دموکراسی در خاورمیانه و آفریقای شمالی با امریکایی‌ها اشتراک نظر دارند. اما آن‌ها فرایند گذار به دموکراسی را فرایند بلندمدتی می‌دانند که می‌تواند از خارج منطقه تحریک شود، اما نمی‌تواند به کشورهای منطقه تحمیل شود. به علاوه آن‌ها معتقدند که با زور و قوه قهریه نمی‌توان فرایند گذار به دموکراسی را به حرکت

در آورد.<sup>(۶۰)</sup> این نگرش در برابر دیدگاه مقامات امریکایی قرار دارد که حمله به عراق را در تثبیت دموکراسی در این کشور مؤثر معرفی می‌کنند.

نکته دیگر درباره طرح خاورمیانه بزرگ آن است که برخی مقامات اروپایی معتقدند که ایالات متحده امریکا در این طرح به اندازه کافی به مناقشه اعراب و اسرائیل توجه نکرده است. مقامات اروپایی نسبت به اولویت پایین ابتکار امریکا برای حل و فصل مناقشه خاورمیانه انتقاد دارند، حکومت‌های اروپایی این مناقشه را منازعه اصلی و منبع کلیدی افراط‌گرایی در منطقه می‌دانند. یکی از مقامات اتحادیه اروپا در این زمینه تصریح می‌کند: «مناقشه اسرائیل و فلسطین کانون مشکلات خاورمیانه است. این مناقشه محرک اصلی و دلیل ایدئولوژیکی عمده تروریسم است». اروپایی‌ها نگران آنند که تندیروها در واشنگتن به طور فزاینده‌ای دموکراتیزه کردن خاورمیانه را پیش شرط حل و فصل بحران فلسطین و اسرائیل قرار دهند.<sup>(۶۱)</sup> این در حالی است که از نظر اروپایی‌ها اتخاذ ترتیبات مناسب برای پایان دادن به این بحران، شرط لازم برای پیشبرد هرگونه فرایند کلان و بلندمدت از جمله دموکراتیزاسیون در منطقه خاورمیانه است.

دولت فرانسه پیش از این، طرح خود را برای خاورمیانه بزرگ در نظر گرفته بود. مقامات فرانسوی معتقدند که این طرح دقیق‌تر و کم‌ابهام‌تر از طرح امریکا است و مبتنی بر «مشارکت فعال» کشورهای نگران‌کننده، تفکیک آن‌ها از یکدیگر و تمیز درجه و ماهیت نیازهای آن‌هاست. برخلاف طرح امریکا که سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را نیز وارد عمل می‌کند و توجه کمی به مناقشه اسرائیل و فلسطین دارد، طرح فرانسه که به‌وسیله دومینک دو ویلپن<sup>۱</sup> در دوران فعالیت وی در سمت وزیر امور خارجه ابداع شد بر این پایه قرار داشت که این موضوع اساسی (مناقشه اعراب و اسرائیل) باید به طور جداگانه بحث و بررسی شود یا پیش از اجرای طرح‌های مربوط به خاورمیانه بزرگ حل و فصل شود.<sup>(۶۲)</sup>

در مجموع مناقشه خاورمیانه یکی از محورهای مهم بحث اروپا و امریکا درباره طرح خاورمیانه بزرگ بوده است. این دو بازیگر مهم جهانی در چارچوب این طرح و فراتر از آن دیدگاه‌های مختلفی درباره بحران خاورمیانه دارند.

به طور کلی درباره مقایسه دیدگاه‌های اتحادیه اروپا و امریکا در قبال مناقشه خاورمیانه باید اظهار داشت که رویکرد و عملکرد این دو بازیگر وجوه تشابه و تمایز مختلفی نسبت به

1. Dominic Do Wilpan

یکدیگر دارد.

درباره تشابه مواضع امریکا و اروپا باید به این موارد اشاره کرد:

- هم اروپا و هم امریکا حامی جدی فرایندی هستند که از چندین سال قبل با عنوان فرایند صلح خاورمیانه به ابتکار کشورهای غربی آغاز شده است.

- اتحادیه اروپا و امریکا از مدل ایجاد دو دولت عربی و یهودی در منطقه طرفداری می‌کنند. به این مدل در طرح نقشه راه نیز تأکید شده است.

- هر دو بازیگر، طرفدار سرسخت تأمین امنیت اسرائیل هستند و امنیت این رژیم را جزء لاینفک ثبات منطقه می‌دانند.

- هر دو بازیگر، مخالف عملیات استشهادی مبارزین فلسطینی هستند و آن را در زمره اقدامات تروریستی به حساب می‌آورند.

درباره برخی تفاوت‌ها میان مواضع و عملکرد اروپا و امریکا نسبت به مناقشه فلسطین نیز باید به این نکات اشاره کرد:

- در مقایسه با ایالات متحده امریکا، سیاست‌های اتحادیه اروپا نسبت به اسرائیل وجهه جانبدارانه کم‌تری داشته و این اتحادیه به اندازه امریکا متهم به عدم بی‌طرفی در فرایند صلح نیست.

- نقش و نفوذ ایالات متحده امریکا در تنظیم معادلات و ترتیبات مرتبط با مناقشه خاورمیانه از جمله تمهیدات دیپلماتیک معطوف به حل‌وفصل این بحران در شکل تنظیم طرح‌ها و فرمول‌هایی همچون نقشه راه یا برقراری جلسات، مذاکرات و کنفرانس‌های بین‌المللی به مراتب بیش از نقش و نفوذ اتحادیه اروپاست.

- ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا هم در چارچوب و هم در زمان‌بندی مذاکرات صلح، اختلافاتی دارند. هر دو طرف به طور رسمی از راه‌حل ایجاد دو دولت یهودی و فلسطینی مطابق با نقشه راه حمایت می‌کنند. اما در زمان و نحوه فعال‌سازی آن با هم اختلاف دارند. اروپایی‌ها درباره عدم اعمال فشار امریکا بر اسرائیل برای همکاری با گروه چهار نگرانند. آن‌ها معتقد به عدم تعهد امریکا به راه‌حلی سیاسی و کوتاه‌مدت برای مناقشه اسرائیل و فلسطین هستند. این عدم تعهد در حالی است که طرفین مناقشه در شرایط فعلی بیش‌تر از یکدیگر فاصله می‌گیرند.<sup>(۶۳)</sup>

- در چارچوب مباحث مربوط به طرح خاورمیانه بزرگ، امریکا حل‌وفصل مسائل سیاسی و اجتماعی کشورهای منطقه را پیش شرط حل‌وفصل مشکلاتی نظیر بحران اعراب و

اسرائیل می‌داند، در حالی که اتحادیه اروپا اولویت بیش‌تری برای حل‌وفصل این بحران نسبت به مسائل داخلی کشورهای منطقه قائل است.

## ۲-۵. بحران عراق

بدون شک مسأله عراق یکی از مهم‌ترین مسائل جهانی در چند سال اخیر بوده است. حمله آمریکا به عراق در اوایل سال ۲۰۰۳ به بهانه امحای سلاح‌های کشتار جمعی این کشور، درنهایت سقوط رژیم صدام و شکل‌گیری ترتیبات و معادلات نوین در عراق و منطقه را در پی داشت. اتحادیه اروپا از همان ابتدا منتقد سرسخت حمله آمریکا به عراق بود. این اتحادیه بارها نگرانی و مخالفت خود را با اقدام نظامی یکجانبه آمریکا بر علیه عراق اعلام داشت. رومانوپرودی رئیس کمیسیون اروپایی در اواسط مارس ۲۰۰۲ به بریتانیا و آمریکا هشدار داد که اتحادیه اروپا با اقدام نظامی با رهبری آمریکا به عراق مخالفت می‌کند. وی اعلام کرد که رئیس‌جمهور آمریکا هنوز نیازمند متقاعد ساختن اروپایی‌ها درباره اقدام تازه علیه صدام حسین است.<sup>(۶۴)</sup> این در حالی بود که تلاش نخست‌وزیر انگلستان برای جلب رضایت رهبران اتحادیه اروپایی برای حمله به عراق در جریان اجلاس این اتحادیه در بارسلونای اسپانیا در مارس ۲۰۰۳ با شکست مواجه شد. تونی بلر<sup>۱</sup> در این اجلاس نتوانست پاسخ مثبتی از سوی هم‌تایان اروپایی خود دریافت کند. سران این کشورها بارها مخالفت خود را با حمله یکجانبه به عراق اعلام داشتند. سخنگوی دولت آلمان اعلام کرد گرهارد شرودر<sup>۲</sup> صدراعظم آلمان معتقد بود که گسترش هرگونه عملیاتی بر ضد دولت‌ها با مشارکت آلمان نیازمند مصوبه سازمان ملل است. وی همچنین اعلام کرد که قطعنامه‌های سازمان ملل اجازه حمله به عراق را نمی‌دهند.<sup>(۶۵)</sup>

در این میان دولت‌های فرانسه و آلمان در ردیف مخالفان جدی حمله به عراق قرار گرفتند و به انتقاد از رفتار تهاجمی دولت بوش پرداختند. به طور کلی اتحادیه اروپا بنا بر دلایل و ملاحظاتی همچون افزایش خطر یکجانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل، احتمال انحراف روند مبارزه بین‌المللی با تروریسم و نیز به دلیل عدم تأیید اقدام نظامی بر ضد عراق از سوی سازمان ملل به مخالفت با رهیافت و اقدام نظامی آمریکا علیه بغداد پرداخت.

با این حال و با توجه به مخالفت شدید اتحادیه اروپا، حمله به عراق در مارس ۲۰۰۳ در دستور کار ایالات متحده آمریکا قرار گرفت. این حمله در واقع تداوم نگرش نظامی‌گری و تهاجمی بود که از پس از حوادث یازدهم سپتامبر بر دوایر سیاستگذاری آمریکا حاکم شده

1. Tony Blair

2. Gerhard Schroder

بود. ایالات متحده با فوری خواندن تهدید هسته‌ای عراق، دفاع از امنیت خود و جهان را دلایل حمله به عراق ذکر کرد.

البته بسیاری از تحلیلگران اهداف واقعی آمریکا از این جنگ را دستیابی به منابع انرژی عراق به ویژه نفت و توسعه نفوذ خود در خاورمیانه می‌دانند. به هر حال در تمام دورانی که توجیحات آمریکا برای مبادرت به این حمله ارائه می‌شد و در فاصله زمانی آغاز تا پایان جنگ، اتحادیه اروپا موضع مخالف خود با اقدامات آمریکا در عراق را حفظ کرد. اما پس از سقوط رژیم صدام، اتحادیه اروپا علاقمندی خود را برای روی کار آمدن یک دولت با ثبات در عراق اعلام داشت. این در حالی بود که مقامات آمریکایی ابتدا با تعیین یک حاکم نظامی و بعد حاکمی غیرنظامی عملاً اختیار امور عراق را در اختیار خود گرفتند. به تدریج اتحادیه اروپا بر تلاش برای روی کار آمدن دولت منتخب مردم عراق تأکید کرد.

اتحادیه اروپا بر عراقی فدرال، دموکراتیک، کثرت‌گرا و متحد تأکید دارد. اروپا علاوه بر اعلام این مواضع برای دستیابی به ملاحظات و منافع خود در عراق تلاش کرد تا حضور فعال‌تری را در این کشور داشته باشد. از این رو برخی همکاری‌ها و هماهنگی‌ها با آمریکا را در دستور کار خود قرار داد. خاویرسولانا اعلام کرده است که در آینده اروپای قوی‌تری در عراق وجود خواهد داشت. در همین چارچوب باید به این نکته اشاره کرد که کمیسیون اروپا یک عضو مؤسس گروه موسوم به گروه محوری است؛ گروه محوری گروهی است که در زمینه اعطای کمک به بازسازی عراق فعالیت می‌کند.

این نهاد همچنین به صورت فعال در کنفرانس‌های مادرید و توکیو و اجلاس‌های بعدی برای کمک به بازسازی عراق مشارکت کرد. این کمیسیون در سال ۲۰۰۳-۲۰۰۴ مبلغ ۳۲۰ میلیون یورو کمک به بازسازی عراق اختصاص داد و برای سال ۲۰۰۵ نیز اعطای ۲۰۰ میلیون یورو را وعده داده است.

کمیسیون اروپایی و دولت‌های عضو اتحادیه اروپا برای هماهنگ کردن حمایت از حکومت موقت عراق با فرایند بازسازی، مساعدت در زمینه برگزاری انتخابات و کاهش بدهی‌ها از سوی کلوپ پاریس<sup>۱</sup> به طور نزدیک با آمریکا همکاری کرده است. سرمایه‌های کمیسیون اروپا اساساً از طریق بانک جهانی<sup>۲</sup> و صندوق بازسازی بین‌المللی

#### 1. Paris Club

کلوپ پاریس گروهی غیررسمی از بستانکاران رسمی است که نقش آن‌ها پیدا کردن راه‌حل‌های هماهنگ شده و پایدار درباره مشکلات پرداخت بدهی‌ها از سوی کشورهای بدهکار است.

#### 2. World Bank

عراق سازمان ملل<sup>۱</sup> به خدمات اساسی، اشتغال، آموزش در بخش انرژی و آموزش مقامات تجاری و حمایت از سازمان‌های مربوط به جامعه مدنی در عراق اختصاص می‌یابد. برخی از اعضای اتحادیه اروپا علاوه بر تلاش‌های دوجانبه انسان‌دوستانه و مشارکت در قالب کمیسیون اروپا تعهدات دوجانبه قابل ملاحظه‌ای را برای بازسازی عراق پذیرفته‌اند (بریتانیا ۴۵۲ میلیون دلار، ایتالیا ۲۳۵ میلیون دلار و اسپانیا ۲۲۰ میلیون دلار).

دولت‌های عضو اتحادیه اروپا از جمله بستانکاران کلوپ پاریس هستند که هشتاد درصد از بدهی عراق را به خود اختصاص می‌دهند. از آن گذشته برخی از دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به رهبری بریتانیا، ایتالیا و لهستان کمک‌های مهمی را به نیروهای چندملیتی در عراق ارائه می‌دهند.<sup>(۶۶)</sup>

بدین ترتیب اتحادیه اروپا برای اهداف و ملاحظات کلان خود که مهم‌ترین آن‌ها حفظ حداقلی از نفوذ در معادلات آینده عراق است، برخی سیاست‌های همکاری‌جویانه با آمریکا را در عراق در پیش گرفت. بدین ترتیب می‌توان موضعگیری و عملکرد اتحادیه اروپا در عراق را در دو دوره زمانی پیش و پس از حمله آمریکا به عراق بررسی کرد.

در دوره اول موضع مشخص اتحادیه اروپا درباره تحولات عراق مخالفت شدید با اقدام نظامی آمریکا و تمهیدات دیپلماتیک برای جلوگیری از این اقدام بود. در این دوره شاهد شکاف و اختلاف عمیق دیپلماتیک میان اروپا و آمریکا بودیم.

اما در دوره پس از حمله آمریکا به عراق، اتحادیه اروپا برخی همکاری‌ها را با آمریکا در دستور کار خود قرار داد. این همکاری تحت تأثیر دو محرک اصلی بود. نخست تداوم مشکلات آمریکا در عراق و افزایش غیرقابل انتظار هزینه‌های واشنگتن در این کشور عربی، که افزایش تمایل آمریکا برای بهره‌گیری از کمک کشورهای اروپایی را در پی داشت. دوم رفتار عملگرایانه اتحادیه اروپا در شکل پذیرش واقعیت‌های موجود که مؤید تغییرات اساسی در معادلات عراق بود. این رفتار مقامات اروپایی را تشویق کرد تا برای یافتن جای پای محکم در عراق و برخورداری از موقعیت مناسب در آینده این کشور نسبت به تدارک حضور فعال‌تر در عراق چاره‌اندیشی کنند. این چاره‌اندیشی در نهایت به اتخاذ برخی سیاست‌های همکاری‌جویانه با آمریکا منتهی شد. البته علی‌رغم این تغییر سیاست، مقامات اروپایی همچنان از موضع پیشین خود مبنی بر ضرورت حمایت از نقش سازمان ملل در امور عراق و کاستن از رفتارهای یکجانبه ایالات متحده آمریکا در این کشور حمایت می‌کنند.

1. UN International Reconstruction Fund Facility for Iraq (IRFFI)

### ۳. بررسی دیدگاه‌ها و عملکرد اتحادیه اروپا و امریکا درباره ایران

ایران به دلیل برخورداری از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در طول تاریخ همواره توجه قدرت‌های زمان خویش را به خود جلب کرده است. قرارگیری در منطقه خاورمیانه، اشراف کامل بر حوزه استراتژیک خلیج فارس و مجاورت این کشور با مناطق مهمی چون آسیای مرکزی و قفقاز و آسیای جنوبی در کنار ویژگی‌های برجسته‌ای همچون برخورداری از منابع غنی انرژی از عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر افزایش اهمیت استراتژیک این کشور به حساب می‌آیند. مجموعه این ویژگی‌ها اهمیتی بین‌المللی و منحصر به فرد به ایران بخشیده و اعتبار و موقعیت آن را در معادلات و ترتیبات منطقه‌ای و جهانی افزایش داده است. توجه قدرت‌های بزرگ جهانی در مقاطع مختلف تاریخ نظیر دوران جنگ جهانی دوم، جنگ سرد و پساجنگ سرد به ایران خود مؤید و مبین اهمیت بالای ایران در محاسبات منطقه‌ای و بین‌المللی است. در چنین شرایطی ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا، به‌عنوان دو بازیگر مهم جهانی همواره رویکرد ویژه‌ای به ایران و مسائل آن داشته‌اند. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تبدیل این کشور به منبع بیداری اسلامی در منطقه که چالش عمده‌ای برای منافع غرب به شمار می‌رفت توجه به ایران و مسائل مربوط به این کشور از سوی امریکا و اروپا ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت. با توجه به اهمیت فزاینده ایران در معادلات منطقه‌ای و بعضاً جهانی به تبیین و مقایسه مواضع اتحادیه اروپا و امریکا درباره جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

درباره مواضع و عملکرد ایالات متحده امریکا در مورد جمهوری اسلامی ایران قبل از هر چیز باید به این نکته محوری اشاره کرد که واشنگتن از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به طور مکرر با طرح دعاوی و اتهامات مختلف بر ضد ایران درصدد تحدید محیط عملیاتی و توان بازیگری این کشور در منطقه و جهان بوده است. به طور کلی مهم‌ترین محورها، مواضع و دیدگاه‌های امریکا درباره ایران را بدین شرح می‌توان تشریح کرد:

۱. جمهوری اسلامی ایران، حامی، مشوق و صادر کننده تروریسم است.
  ۲. ایران فعالانه در پی جلوگیری از تحقق روند صلح خاورمیانه است.
  ۳. ایران مخفیانه به دنبال دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی است.
  ۴. حکومت ایران ناقض حقوق بشر در داخل کشور است.
  ۵. جمهوری اسلامی ایران تهدیدی برای صلح و امنیت منطقه و جهان است.
- لازم به توضیح است که ایالات متحده همواره با طرح این اتهامات درصدد تحمیل فشار



از سوی خود و جامعه بین‌المللی به ایران بوده است. واشنگتن عادی‌سازی روابط با تهران را مشروط به سه شرط عدم تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، عدم حمایت از تروریسم و عدم مخالفت با روند صلح خاورمیانه کرده است.

نکته حائز اهمیت آن است که مراکز سیاستگذاری آمریکا به‌ویژه پس از حوادث یازدهم سپتامبر تمامی نکات ذکر شده را در چارچوب منافع ملی ایالات متحده تعریف و طبقه‌بندی کرده‌اند. به عبارت دیگر از نظر دولتمردان آمریکایی دستیابی کشورهای ایران به سلاح هسته‌ای یا حمایت از آنچه که آمریکایی‌ها آن را اقدامات تروریستی می‌نامند، به مثابه تهدیدی اساسی برای منافع ملی ایالات متحده به حساب می‌آید. درباره بحران خاورمیانه از آن‌جا که ادامه مناقشه، تلاش‌های آمریکا برای استقرار صلح مدنظر این کشور را بی‌اثر کرده است و بدین ترتیب هزینه‌های مازادی را به این کشور تحمیل می‌کند، هرگونه تلاش برای تحقق روند صلح خاورمیانه آن‌گونه که مدنظر آمریکاست در چارچوب منافع ملی این کشور در منطقه قلمداد شده و مخالفت با آن مغایر با منافع واشنگتن به حساب می‌آید. از این‌رو جلوگیری از اعمال نظر و نفوذ کشورهای مخالفی نظیر ایران در روند صلح خاورمیانه نیز در راستای منافع ایالات متحده محسوب می‌شود.

به طور کلی ایالات متحده آمریکا سقوط رژیم شاهنشاهی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران را مغایر با منافع و علایق خود در این کشور و در منطقه و جهان می‌داند. از این‌رو هدف حداکثری واشنگتن تغییر این نظام و هدف حداقلی آن تضعیف نظام جمهوری اسلامی بوده است. پنجاه سال پس از سرنگونی دولت مصدق به وسیله آمریکا، امروز هم افرادی چون رامسفلد<sup>۱</sup> و نئومحافظه‌کاران<sup>۲</sup> هم‌فکر او از تغییر حکومت کنونی ایران صحبت می‌کنند. برخی از آن‌ها حتی از حمایت از فرزند شاه سابق و به قدرت رساندن او حرف می‌زنند.<sup>(۴۷)</sup>

در کنار این ملاحظه کلی، استراتژی آمریکا در برخورد با جمهوری اسلامی ایران در برگیرنده محورهای ذیل بوده است:

- جلوگیری از دستیابی این کشور به دانش هسته‌ای.
- جلوگیری از حمایت ایران از اسلامگرایی.
- جلوگیری از تحقق نظرات و مواضع این کشور درباره مناقشه خاورمیانه.
- تحدید و مهار نقش آفرینی ایران در مناطق استراتژیک پیرامونی آن.

1. Donald H. Rumsfeld  
2. Neo-conservatives

لازم به ذکر است که ایالات متحده آمریکا در راستای تأمین اهداف و ملاحظات مذکور همواره تلاش کرده است تا از طریق وضع سیاست‌های محدودیت‌زایی همچون تحریم و مجازات‌های اقتصادی به مقاصد مدنظر خود در مورد ایران دست یابد. در شرایط عدم تمایل دولتمردان ایرانی برای انجام مذاکره با آمریکا، پیگیری اقدامات و سیاست‌های مذکور از سوی آمریکا شدت بیش‌تری یافته است.

اما در مورد مواضع اتحادیه اروپا درباره جمهوری اسلامی ایران باید به این نکته اشاره داشت که این اتحادیه در قالب مذاکرات بلندمدتی که با عنوان گفتگوهای انتقادی<sup>۱</sup> و گفتگوهای سازنده<sup>۲</sup> از دهه قرن بیستم پایانی تاکنون با ایران داشته است طیف مختلفی از مسائل و موضوعات دوجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی را در رابطه با این کشور مدنظر قرار داده است. مسائلی همچون حقوق بشر، تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی و مناقشه خاورمیانه در زمره مهم‌ترین موضوعات در مذاکرات سال‌های اخیر ایران و اروپا بوده است. برای مقایسه دیدگاه‌های اروپا و آمریکا درباره ایران برخی از دیدگاه‌ها و مواضع اتحادیه اروپا در موضوعات حساس مذکور مورد اشاره قرار می‌گیرد.

درباره حقوق بشر اتحادیه اروپا همانند آمریکا معتقد است که وضعیت و شرایط حقوق بشر در ایران وضعیت مساعد و مطلوبی نیست. در عین حال این اتحادیه بارها اعلام داشته که در چند سال اخیر پیشرفت‌هایی در این زمینه در ایران به وجود آمده است.

به طور کلی اتحادیه اروپا در مقاطع مختلف، پیشرفت روابط با جمهوری اسلامی ایران را مشروط به بهبود و تقویت دموکراسی و حقوق بشر کرده است. این اتحادیه اعلام داشته است که گسترش دموکراسی و احترام بیش‌تر به حقوق بشر، ایران را به یک شریک با ثبات در منطقه تبدیل خواهد کرد.<sup>(۶۸)</sup> مسائلی همچون آزادی مطبوعات، حاکمیت قانون، رعایت حقوق اقلیت‌ها و لغو مجازات اعدام از مهم‌ترین محورهای گفتگوی مقامات این اتحادیه با تهران در زمینه حقوق بشر بوده است. در واقع این موارد مؤید و در ادامه مواضع آمریکا درباره وضعیت حقوق بشر در ایران است، زیرا آمریکا نیز در سال‌های گذشته همواره جمهوری اسلامی ایران را به نقض حقوق بشر و نادیده گرفتن آزادی‌های اساسی متهم و تلاش کرده است تا از طریق تبلیغ بین‌المللی این اتهام، پروژه منزوی کردن ایران را به پیش برد. دیدگاه یکسان اروپا و آمریکا درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را می‌توان ناشی از اشتراک آن‌ها در ترجیحات

1. Critical Dialogue  
2. Constructive Dialogue

هنجاری برگرفته از آموزه‌های سیاسی لیبرالیسم دانست. این در حالی است که هر دو بازیگر علی‌رغم تأکید بر رعایت موازین حقوق بشر و تبدیل این موضوع به اهرمی برای اعمال فشار بر کشورهای همچون ایران با بسیاری از رژیم‌هایی که کارنامه و عملکرد نامطلوبی در حوزه حقوق بشر دارند ارتباط داشته و بعضاً روابطی استراتژیکی را با آن‌ها تدارک دیده‌اند. به ویژه پس از حوادث یازدهم سپتامبر بسیاری از رژیم‌های اقتدارگرایی که فاقد ترتیبات دموکراتیک و اصول دموکراسی بودند در جریان مبارزه با تروریسم به متحدان غرب تبدیل شدند. این مسأله در موارد بسیاری سیاست‌های دوگانه غرب را در حوزه حقوق بشر به اثبات می‌رساند.

درباره مناقشه خاورمیانه موضع اتحادیه اروپا دارای اختلافات جدی و اساسی با رویکرد جمهوری اسلامی است. اگر موضع ایران درباره این مناقشه را همان آرا و مواضع مطرح شده در اصول انقلابی مبنی بر نابودی اسرائیل یا مخالفت با روند سازش میان اعراب و اسرائیل بدانیم، اختلاف مواضع اروپا و ایران ابعاد جدی‌تر و گسترده‌تری به خود می‌گیرد. چرا که اولاً اتحادیه اروپا همیشه بر موضوع تأمین امنیت و موجودیت اسرائیل تأکید داشته و ثانیاً به ثمر رسیدن فرایند صلح را در چارچوب منافع امنیتی خود تعریف کرده است. در اجلاس وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا در فوریه ۲۰۰۲ بر این موضوع تأکید شده است که موضوع خاورمیانه در حوزه امنیت اتحادیه اروپا قرار دارد.<sup>(۶۹)</sup>

به همین دلیل این اتحادیه مهم‌ترین حامی فرایند صلح خاورمیانه به حساب می‌آید. اتحادیه اروپا طرفدار یک دولت فلسطینی در کنار دولت اسرائیلی و خواستار تأمین امنیت هر دو دولت است. شورای اروپا بر نیاز قاطع برای شروع دوباره فرایند صلح بدون هیچ پیش‌شرطی برای ایجاد یک دولت فلسطینی دموکراتیک، پایدار و مستقل و تعهد جامعه بین‌المللی از جمله کشورهای عربی برای تضمین فعال امنیت اسرائیل که به‌عنوان یک شریک برابر در این منطقه پذیرفته خواهد شد، تأکید کرده است.<sup>(۷۰)</sup> بنابراین اتحادیه اروپا مخالف هرگونه اقدام و اعمال نظری است که منجر به تضعیف فرایند صلح یا تضعیف امنیت اسرائیل شود. نکته مهم آن است که اتحادیه اروپا در برخورد با بحران خاورمیانه نگرش تاریخی را کنار گذاشته و همچون ایران به این موضوع که کدام دولت اشغالگر بوده نمی‌پردازد، بلکه اروپا معتقد به برقراری صلح و آرامش در شرایط کنونی است.

نکته دیگر آن که برخی از اعضای اتحادیه اروپا، مانند انگلستان در مناقشه خاورمیانه سیاست جانبدارانه‌ای به نفع اسرائیل دارند و همین مسأله امکان تفاهم اتحادیه اروپا با ایران بر سر مناقشه خاورمیانه را کم‌رنگ‌تر می‌سازد.

با توجه به این موارد مشخص است که نگاه اروپا نسبت به بحران فلسطین قرابت زیادی با رویکرد امریکا در این زمینه دارد. از همین رو اتحادیه اروپا همواره در مذاکرات با ایران از دیپلماسی ترغیب این کشور برای تعدیل سیاست‌های خود درباره مناقشه خاورمیانه به‌ویژه عدم حمایت از گروه‌های مبارز فلسطینی استفاده می‌کند. مسأله تروریسم یکی دیگر از مسائل مدنظر نمایندگان اتحادیه اروپا و ایران در مجموعه گفتگوهای انتقادی و فراگیر بوده است. مهم‌ترین چالش اتحادیه اروپا با ایران به حمایت تهران از برخی گروه‌های فلسطینی نظیر حماس و ارتباط آن با حزب ... لبنان مربوط می‌شود. اتحادیه اروپا نظیر امریکا معتقد است که هر گونه اقدام گروه‌های فلسطینی که منجر به کشته یا زخمی شدن غیرنظامیان اسرائیلی شود، تروریسم به حساب آید. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران ماهیت اقدامات مبارزین فلسطینی را تدافعی دانسته و معتقد است که این اقدامات در چارچوب اصل دفاع از خود، به‌منظور آزادسازی سرزمین فلسطین از دست اشغالگران انجام می‌پذیرد. در عین حال جمهوری اسلامی ایران هرگونه حمایت نظامی و تسلیحاتی از گروه‌های فوق را تکذیب و اعلام کرده است که حمایت تهران از این گروه‌ها صرفاً معنوی است. این در حالی است که هنوز اجماع نظری درباره این موضع ایران در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا به وجود نیامده است.

نکته دیگر در گفتگوهای ایران و اتحادیه اروپا مربوط به ماهیت تروریستی اقدامات گروه منافقین است. جمهوری اسلامی ایران از سال‌های پیش نسبت به فعالیت این گروه در داخل برخی دولت‌های اروپایی معترض بوده است. اتحادیه اروپایی در سال‌های اخیر نسبت به پذیرش دیدگاه ایران درباره تروریستی بودن این گروه واکنش مثبتی از خود نشان داده و در این زمینه چالش‌های دو طرف کاهش پیدا کرده است.

اما به هر حال مواضع اتحادیه اروپا درباره اقدامات برخی گروه‌های مبارز فلسطینی با دیدگاه‌های امریکا مطابقت دارد. از این منظر مواضع و منافع هر دو طرف نسبت به تضعیف توان گروه‌های فوق و نیز جلوگیری از حمایت برخی کشورها از آن‌ها در یک راستاست.

درباره موضوع سلاح‌های کشتار جمعی نیز باید اظهار داشت که این موضوع نیز همواره موضوعی مهم و مسلط در گفتگوهای میان ایران و اروپا بوده است. تمایل ایران برای تسریع در روند توسعه از طریق بهره‌گیری از مزایای انرژی هسته‌ای از یک طرف در کنار جنگ روانی ایالات متحده در مورد تهدیدآمیز بودن تلاش‌های هسته‌ای ایران و نیز برخی نگرانی‌هایی که در خود اتحادیه اروپا وجود داشت، موجبات تبدیل این موضوع به یکی از

محورهای مهم مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا را فراهم ساخت. از جهت‌گیری‌ها، مواضع و بیانیه‌های اتحادیه اروپا چنین برمی‌آید که این اتحادیه - البته نه به اندازه آمریکا - نگران احتمال دستیابی ایران به سلاح‌های کشتار جمعی است. در یکی از اسناد منتشره کمیسیون جوامع اروپایی، خطاب به پارلمان و شورای اروپا، آمده است که تصمیم ایران برای گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و به‌ویژه موشک‌های دوربرد، نگرانی جدی اتحادیه اروپاست. در این سند اشاره شده است که اتحادیه اروپا ایران را تشویق می‌کند تا معاهدات مربوط به رژیم‌های امنیتی را به امضا برساند.<sup>(۱)</sup> فشارهای اتحادیه اروپا به ایران برای امضای پروتکل الحاقی به معاهده منع تکثیر تسلیحات که سرانجام با موافقت تهران مواجه شد در همین راستا قابل تعریف است.

همزمان با پیشرفت ایران در دستیابی به انرژی هسته‌ای مواضع اتحادیه اروپا قربانت و همگرایی بیش‌تری با آمریکا پیدا می‌کند به نحوی که این اتحادیه نیز همگام با آمریکا به طور مکرر موضوع احتمال ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل را مطرح می‌کند. همچنین موضع اتحادیه اروپا درباره توقف کامل و نامحدود غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران در تطابق کامل با مواضع آمریکا قرار دارد.

یکی دیگر از موضوعاتی که در زمینه مقایسه دیدگاه‌های اروپا و آمریکا در مورد ایران باید به آن اشاره شود استراتژی آن‌ها نسبت به ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران است. همان‌طور که در سطور پیشین اشاره شد هدف حداکثری دولت آمریکا تغییر نظام سیاسی حاکم بر ایران و جایگزین کردن آن با یک حکومت همگرا با مواضع امریکاست.<sup>۱</sup> این در حالی است که اتحادیه اروپا علی‌رغم برخی چالش‌ها با حکومت ایران، از سیاست تغییر نظام سیاسی ایران پیروی نمی‌کند و صرفاً به دنبال تعدیل مواضع و عملکرد نظام ایران با نظام بین‌المللی است.<sup>۲</sup>

درباره موقعیت و نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه هم باید به این نکته اشاره داشت که در شرایطی که ایالات متحده آمریکا نقش‌آفرینی فعال ایران در مناطق پیرامونی خود نظیر خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز را در مغایرت با منافع ملی خود می‌بیند و به همین دلیل به روش‌های گوناگون به دنبال تحدید نقش منطقه‌ای ایران است، اتحادیه اروپا به طور مشروط حضور فعال ایران در منطقه را در چارچوب منافع خود تعبیر می‌کند. از نظر

---

1. Regime Change  
2. Behavior Change

اروپا چنانچه روند دموکراسی و احترام به حقوق بشر در ایران بهبود یابد این کشور می‌تواند به شریکی با ثبات برای اتحادیه اروپا در منطقه تبدیل شود.<sup>(۷۲)</sup> اروپا معتقد است که نقش آفرینی فعال ایران در منطقه می‌تواند به کاهش پدیده‌های چالش‌زایی نظیر تولید و ترانزیت مواد مخدر و مهاجرت بی‌رویه کمک رساند. در واقع ایفای چنین نقشی از سوی ایران متضمن تخفیف هزینه‌های اروپا درباره این چالش‌ها خواهد بود. سوابق و عملکرد ایران در مناطق پیرامونی خود نیز نشان می‌دهد که علی‌رغم برخی تبلیغات منفی، جمهوری اسلامی ایران در بسیاری موارد، نقش مؤثری در تأمین و ایجاد امنیت و ثبات در این مناطق داشته است. سیاست ایران در جنگ داخلی تاجیکستان به گونه‌ای بود که به اذعان بسیاری از تحلیلگران و کارشناسان، ایران یکی از مهم‌ترین عوامل پایان جنگ در این کشور (در اواسط دهه ۹۰) بود. اقدامات گسترده ایران در مبارزه با ترانزیت مواد مخدر نیز مورد تأیید ارگان‌های بین‌المللی مسئول در این زمینه بوده و این اقدامات نیز در جلوگیری از بروز بی‌ثباتی‌های بیش‌تر در منطقه نقش مؤثری داشته است. اتحادیه اروپا از این واقعیت آگاه است که برقراری ثبات و امنیت در منطقه بدون توجه به نقش و جایگاه بااهمیت ایران امکان‌پذیر نیست. از طرف دیگر ایران نقش بسیار مهمی در تأمین امنیت انتقال و صدور انرژی به جهان دارد. از این‌رو اتحادیه اروپا برخلاف آمریکا نه تنها به دنبال منزوی و محدود کردن ایران در این مناطق نیست، بلکه خواهان ایفای نقش مهم و سازنده ایران است. از این‌رو و در چارچوب یک دیدگاه حداکثری می‌توان ادعا کرد که در شرایط کنونی منافع اروپا و آمریکا درباره نقش ایران در مناطق پیرامونی آن با هم هماهنگ نیست. این در حالی است که مطالب اشاره شده در این مقاله درباره مسائل سلاح‌های کشتار جمعی، تروریسم و مناقشه خاورمیانه از اشتراک و همسویی منافع اتحادیه اروپا با آمریکا حکایت دارد.

اتحادیه اروپا همانند آمریکا در دست نیافتن ایران به سلاح‌های کشتار جمعی، عدم حمایت از آنچه که آن‌ها تروریسم می‌خوانند و نیز عدم تحقق دیدگاه‌های ایران درباره مناقشه اعراب و اسرائیل منفعت می‌برد. به همین دلیل در اسنادی که از سوی اتحادیه اروپا منتشر شده است از این نکات با عنوان چالش‌های همکاری ایران و اتحادیه اروپا یاد شده است. به نظر می‌رسد که اتحادیه اروپا تنها درباره نقش آفرینی فعال ایران در منطقه و نیز موضوع تغییر نظام جمهوری اسلامی با آمریکا اختلاف موضع دارد. البته درباره نقش منطقه‌ای ایران هم رویکرد مثبت اتحادیه اروپا صرفاً تا زمانی است که جهت‌گیری خارجی تهران بر اصولی چون تنش‌زدایی استوار باشد.

اما با توجه به برخی منافع مشترک میان اروپا و آمریکا درباره ایران، در بعضی موارد دیدگاه‌ها و نیز روش برخورد آن‌ها با ایران مختلف است. نخست آن که در نگاه اتحادیه اروپا، ایران به آن اندازه که آمریکا ادعا می‌کند در پی تولید ناامنی در جهان نیست. درباره مسأله تروریسم و مناقشه خاورمیانه اتحادیه اروپا به اندازه آمریکا برای ایران نقش منفی قائل نیست.

نکته دوم مربوط به اختلاف اتحادیه اروپا و آمریکا درباره روش و نوع برخورد با ایران است. اروپا و آمریکا در این موضوع اختلاف نظر عمیقی دارند. در حالی که آمریکا به روش‌های سلبی و محدودیت‌زا نظیر وضع مجازات‌های اقتصادی علیه ایران معتقد است، اتحادیه اروپا به‌ویژه در چند سال گذشته به شیوه‌های ایجابی و تشویقی اعتقاد دارد.

مخالفت اتحادیه اروپا با برخوردهای سلبی آمریکا با ایران عمدتاً به دلیل اعتقاد آن به این اصل است که اعمال قوانین محدودیت‌زا از سوی آمریکا علیه کشورهای دیگر و از جمله ایران به یکجانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل می‌انجامد. مسأله یکجانبه‌گرایی همواره مورد تأکید اروپایی‌ها بوده است. در یکی از اسناد منتشر شده از سوی اتحادیه اروپا درباره رابطه این اتحادیه با آمریکا، در مطلبی با عنوان «مجازات‌های مورد منازعه» تصریح شده است که اگر چه اتحادیه اروپا با بسیاری از اهداف سیاست خارجی آمریکا در مورد کشورهای نگران‌کننده اشتراک دارد، اما این اتحادیه مخالف مجازات‌های تجاری یکجانبه با ادعای صلاحیت فرامرزی به کار رفته از سوی امریکا است.<sup>(۷۳)</sup> اتحادیه اروپا احساس می‌کند که کنگره آمریکا از طریق تحمیل مجازات‌های یکجانبه و فرامرزی بدون مشورت، میان ایالات متحده و متحدانش تقابل ایجاد کرده است. اروپایی‌ها قویاً با هر شکل از اقدامات یکجانبه مخالفند و خاطرنشان می‌کنند که ایالات متحده هیچ تلاش جدی برای مذاکره درباره چنین سیاست‌هایی با متحدان اروپایی یا برای رسیدن به یک اجماع نظر انجام نداده است.

در مقابل بسیاری از امریکایی‌ها با انتقاد از سیاست اروپا درباره ایران پیگیری روش‌های ایجابی را موجب افزایش تهدید مطرح شده از سوی ایران دانسته‌اند. امریکایی‌ها معتقدند تنها مجازات قوی، مهار دوجانبه، محدودیت‌های شدید بر فروش تسلیحات و صادرات تکنولوژی‌های دارای کاربرد دوگانه و حضور نظامی قوی غرب در خلیج فارس تهدید ایران نسبت به این منطقه را محدود و در نهایت این کشور را به اصلاح و تغییر مجبور خواهد کرد.<sup>(۷۴)</sup> در واقع نگرش اتحادیه اروپا در این باره که سیاست گفتگو با ایران نتایج مثبت‌تری نسبت به تحریم این کشور دارد در مقابل نگرش آمریکا که به عکس این موضوع معتقد است قرار دارد.

از این رو اختلاف امریکا و اروپا درباره ایران بیش تر در حوزه طرز تلقی و روش برخورد با این کشور است. طبیعی است که این امر به معنای آن نیست که میان اروپا و امریکا درباره ایران هیچ اشتراک نظری وجود ندارد.

### نتیجه گیری

اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا به عنوان دو بازیگر مهم جهانی، سیاست فعالی را درباره موضوعات مهم کنونی نظام بین الملل اتخاذ کرده اند. توجه به مقولات و مسائلی همچون حقوق بشر، تروریسم و سلاح های کشتار جمعی و سایر موضوعات مهم جهانی به طور فزاینده و گسترده ای در دستور کار اروپا و امریکا قرار داشته و حجم قابل توجهی از ظرفیت سیاست خارجی آن ها به این موضوعات اختصاص یافته است. تعلق نظام فکری و سیاسی اروپا و امریکا به مبانی و آموزه های مکتب لیبرالیسم موجبات نزدیکی و قرابت دیدگاه های آن ها نسبت به بسیاری از مقولات بین المللی را فراهم ساخته است. بدین ترتیب اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا درباره بسیاری از موضوعات جهانی به ویژه موضوعاتی نظیر حقوق بشر که وجه هنجاری تری نسبت به سایر موضوعات دارند، دارای اشتراک نظر هستند. در عین حال اصالت بخشیدن به حوزه منافع عینی و شخصی از سوی هر دو بازیگر در بسیاری موارد موجبات تلاقی و حتی تعارض دیدگاه ها و مواضع آن ها درباره مسائل مهم جهانی را فراهم می سازد. به طور مثال، مخالفت اتحادیه اروپا با تهاجم نظامی امریکا به عراق در درجه اول ناشی از نگرانی این اتحادیه از تضعیف موقعیت و منافع خویش در منطقه استراتژیک خاورمیانه بود. در واقع اشتراک نظر اتحادیه اروپا و امریکا درباره مسائل مهم جهانی صرفاً تا زمان عدم تلاقی با منافع عینی و ملموس آن ها ادامه می یابد. به ویژه پس از پایان جنگ سرد و علاقه اروپایی ها برای ایفای نقش مستقل در نظام بین الملل، امکان بروز اختلاف نظر میان این دو بازیگر زمینه های بیش تری پیدا کرده است. در دوران جنگ سرد نظام دو قطبی حاکم بر روابط بین الملل مجموعه کشورهای غربی و سرمایه داری را در بلوکی قرار داده بود که رهبری آن را امریکا بر عهده داشت، به همین دلیل جهت گیری این کشورها در عرصه سیاست خارجی در هماهنگی و سازگاری با مواضع ایالات متحده بود. در این شرایط اتحادیه اروپا به عنوان یک عضو مهم بلوک سرمایه داری در برخورد با مسائل مهم جهانی، سیاستی هماهنگ با ایالات متحده امریکا در پیش گرفت. با فروپاشی شوروی، اتحادیه اروپا در یک نظام نوین چند قطبی از آزادی عمل



بیش‌تری در سیاست خارجی برخوردار شد. در واقع فروپاشی شوروی و شکل‌گیری شرایط جدید در نظام بین‌الملل باعث شد تا اتحادیه اروپا از یک شریک و متحد استراتژیک امریکا در دوران جنگ سرد به متحد موضعی و تاکتیکی این کشور در دوره پساجنگ سرد تبدیل شود. این امر گاهی اتخاذ مواضع متفاوت با امریکا از سوی اروپایی‌ها را به دنبال داشت. تلاش‌های اتحادیه اروپا برای تعریف هویتی مستقل در زمینه‌های مختلف از جمله در حوزه امور نظامی و دفاعی نیز پتانسیل بروز اختلاف میان اروپا و امریکا را افزایش داده است.

علی‌رغم این امر، هر دو طرف تلاش داشته‌اند تا اختلافات میان خود را از طریق دیپلماتیک و با تکیه بر سازوکارهای متعددی که برای تعمیق روابط دوجانبه تعبیه شده‌اند حل و فصل کنند. در درون اروپا و امریکا نگرش و گرایش مثبتی نسبت به این ایده وجود دارد که پیشرفت و امنیت یک طرف با پیشرفت و ثبات طرف دیگر ملازمت دارد. این تفکر زمینه مساعدی را برای توسعه روابط، رایزنی‌ها و هماهنگی‌های دو طرف ایجاد می‌کند. در حال حاضر مقامات اروپایی و امریکایی تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی را تهدید فوری فراروی خود قلمداد می‌کنند. به همین دلیل مواضع آن‌ها درباره این دو مقوله قرابت زیادی با یکدیگر دارد. در زمینه حقوق بشر از آنجایی که تجویزات هر دو طرف در این زمینه از یک منبع فکری واحد سرچشمه می‌گیرد همسانی بالایی در میان مواضع آن‌ها نسبت به این مسأله به چشم می‌خورد. در مورد مناقشه خاورمیانه به‌عنوان یکی دیگر از موضوعات مهم جهانی اعتقاد هر دو طرف به پیشبرد و تحقق روند صلح خاورمیانه و ضرورت تشکیل دو دولت فلسطینی و اسرائیلی موجب شده است تا استراتژی واحدی نسبت به این مناقشه میان اروپا و امریکا پدید آید. در مورد بحران عراق حجم اختلافات میان دو طرف که در دوره حمله نظامی به این کشور در سطح بسیار بالایی قرار داشت، اکنون به دلیل تمایل اروپا برای بهبود اوضاع و تثبیت دولت جدید و اعتقاد به کمک برای بازسازی عراق، روند رو به کاهشی را تجربه می‌کند. در عین حال برخی دیدگاه‌ها و مواضع مختلف میان دو طرف درباره عراق همچنان وجود دارد.

سرانجام درباره ایران مواضع اروپا و امریکا مجموعه‌ای از جهت‌گیری‌های همگرایانه و واگرایانه را شامل می‌شود. در حالی که تلاش برای عدم دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای و جلوگیری از حمایت این کشور از گروه‌های اسلامی سیاست و موضع واحد دو طرف در برابر ایران است، اما در روش‌های برخورد با جمهوری اسلامی ایران و روی آوردن به سیاست‌های تعاملی یا تقابلی در برابر آن هنوز اختلافات مهمی میان اتحادیه اروپا و

امریکا وجود دارد. از این رو همان طور که متون رسمی ترانس آتلانتیکی نیز تأیید می‌کنند، مسأله ایران مسأله‌ای حساس و در برخی موارد چالش برانگیز در مجموعه روابط اروپا و امریکا به حساب می‌آید.

درباره سایر موضوعاتی که در این مقاله از آن‌ها یاد شد (حقوق بشر، تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، مناقشه خاورمیانه و بحران عراق) با توجه به ابعاد بین‌المللی آن‌ها از یک طرف و اهمیت و نفوذ جهانی اروپا و امریکا از طرف دیگر می‌توان به طور قاطع اظهار داشت که بخشی از شرایط و سرنوشت این موضوعات به ابتکارات و تمهیدات ارائه شده از سوی اروپا و امریکا و میزان همگرایی و واگرایی این ابتکارات با یکدیگر بستگی خواهد داشت؛ اما سرنوشت نهایی این موضوعات نیازمند مشارکت و دخالت طیف بیش‌تری از اعضای جامعه بین‌المللی از جمله کشورهای در حال توسعه، جهان اسلام و ... خواهد بود. بدون شک حل‌وفصل نهایی بسیاری از چالش‌های جهانی نظیر تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، حقوق بشر و مناقشه خاورمیانه بدون در نظر گرفتن این اصل و صرفاً در شرایط نقش آفرینی و تصمیم‌گیری انحصاری اروپا و امریکا امکان‌پذیر و عملی نخواهد بود.

## پی‌نوشت‌ها

1. "A Secure Europe in a Better World", <http://ue.eu.in>, Brussels, 12 December 2003.
2. "US. Relations with the European Union", <http://useu.be/transatlantic/index.html>
3. "The New Transatlantic Agenda", [europe.eu.int/comm/external-relations/Us/new-transatlantic-agenda/text.htm](http://europe.eu.int/comm/external-relations/Us/new-transatlantic-agenda/text.htm).
4. "EU-US Bilateral Economic Relations", <http://europa.eu.int>, June 2004.
5. "The EU's Relations with the United States of America", <http://europa.eu.int>, September 2004.
6. "EU: Trade Issues- bilateral Trade Relations", <http://europa.eu.int>, September 2004.
7. "EU-US Bilateral Economic Relations", *Op. cit.*
8. Daniel Hailton, *Partners in Prosperity: The Changing Geography of the Transatlantic Economy*, Washington: Centre for Transatlantic Relations, Johns Hopkins University, 2004.
9. "The EU's, Relations with the United States of America", *Op. cit.*
10. Ibid.
11. Paul Janiczek, "Helen of The Hague: the ICC and U.S.-EU Differences", *National Review Magazine*, October 2003.
12. Robert Kagan, "Power and Weakness", *Policy Review*, No. 113, June/July 2002.
13. Thomas Banchoff, "Value Conflict and US-EU Relations: The Case of Unilateralism", *ACES Working Paper 2004*, June 2004, p.12.
14. "Address to the European Parliament", <http://europa.eu.int>, October 9, 2002.
15. " Transatlantic Relations", *Euro-active*, March 13, 2005.
16. " A Secure Europe in a Better World", EU Official Website, 12 December 2003, p.7.
17. "EU: Terrorism, Enlargement, Euro", [www.migrationint.com.au](http://www.migrationint.com.au) , January 2002.
18. "Who EU Calling a Terrorist", *Wired News*, December 30, 2001.
19. "EU and the Fight against Terrorism", *European Union Fact Sheet, EU Official Website*, June 2004.

20. " The EU's Relations with the United States of America", *Op. cit.*
21. " At a Glance: Global Terrorism", *U.S. Department of State*, US Info. State Gov, November 2004.
22. "Transatlantic Relations after 11 September", *EU-US News*, Vol. IV, No. 8, January 2002. p. 2.
23. " EU and the Fight against Terrorism", *Op. cit.*
24. Brant Stephenson, "Transatlantic Counter-terrorism Measures; the Challenges of EU Implementation", <http://International.tamu.edu>, September 2004.
25. Yves Boyer, "US-European Union Cooperation in the Aftermath of 9-11 Terrorism and Security", [www.International.tamu.edu](http://www.International.tamu.edu).
26. "The Future of Transatlantic Relations – restoring Trust and Building a New Partnership", [www.subsite.icu.ac.jp](http://www.subsite.icu.ac.jp), p. 4.
27. Adam Townsend, "Transatlantic Disputes must not undermine EU and US Counter – terrorism Co – operation", *Centre for European Reform*, 27 June 2003.
28. "The EU's Human Rights and Democratization Policy", [www.europa.eu.int](http://www.europa.eu.int), December 2001.
29. "Euro Deputy Criticizes EU Double Standards on Human Rights", *Irna English Website*, April 30, 2005.
30. "Human Rights must Begin at Home: Amnesty International's Recommendations to the Irish EU Presidency", *Amnesty International News Release*, January 12, 2004.
31. Dick Leonard, "EU Backsliding on Human Rights? Challenge to Dutch Presidency from Amnesty International", *European Voice*, July 15, 2004.
32. "Human Rights", US. Department of State, [www.state.gov](http://www.state.gov)
33. Noam Chomsky, *US Human Rights Policy: Rhetoric and Practice*, [www.store.gxonlinestore.org/cs-chom1.html](http://www.store.gxonlinestore.org/cs-chom1.html).
34. Alan Elsner, "Lawmakers Call Prison Rape U.S. Human Rights Abuse", [www.aegis.com](http://www.aegis.com), July 31, 2002.
35. "United States: Thousands of Children Sentenced to Life without Parole", *Human Rights Watch*, [www.hrw.org](http://www.hrw.org), October 12. 2005.
36. Barbara, "Police Trample on Human Rights in United States", [www.pww.org](http://www.pww.org).
37. "Why human rights in the U.S?", [www.wildforhumanrights.org](http://www.wildforhumanrights.org).
38. "US Behavior Creates Human Rights Credibility Gap", [www.scoop.co.nz](http://www.scoop.co.nz).

208, February 2005.

39. "Full Text of Human Rights Record of the US in 2003", *People's Daily*, March 1, 2004.
40. Justin Vaisse, "French Relations to the 2000 US Presidential Election", *U.S. – France Analysis*, January 2001.
41. Harry Van Bommel, "Tweedy Kerry, Tweedy Bush: US Voters Face Choice Which is no Choice", [www.spectrezine.org](http://www.spectrezine.org).
42. Fraser Cameron, "How Europe Views America", *The European Policy Centre*, EPC Issue Paper, No. 15, 25/6/2004, p. 4.
43. Esther Brimmer, *The United States, The European Union, and International Human Rights Issues*, Washington: Centre for Transatlantic Relations, 2002.
44. *Ibid*, p. 15.
45. "A Secure Europe in a Better World", *Op. cit.* pp. 3-4.
46. "EU Strategy against the Proliferation of Weapons of Mass Destruction", *European Union Fact Sheet*, <http://europa.eu.int>, June 2004.
47. "The Weapons of Mass Destruction Treat", <http://state.gov/t/np/wmd>.
48. "National Strategy to Combat Weapons of Mass Destruction", *US Department of State*, December 2002, pp. 1-6.
49. "A Secure Europe in a Better World", *Op. cit.* p.4.
50. "EU's Position on the Middle East Conflict", <http://europa.eu.int/comm/external-relations/mepp>.
51. Mitchell G. Bard, "The Creation of Israel Resulted Solely from U.S. Pressure", *Jews Virtual Library*, [www.jewishvirtuallibrary.org](http://www.jewishvirtuallibrary.org).
52. Sheldon L. Richman, "Ancient History: U.S. Conduct in the Middle East since World War II and the Folly of Intervention", *Cato Policy Analysis*, No. 159.
53. Evan M. Wilson, *Decision on Palestine: How the U.S. Came to Recognize Israel*, Stanford: Hoover Institution Press, 1979, p.154.
54. Nadav Safran, *Israel: The Embattled Ally*, Cambridge, Mass: Belknap Press, 1981, p.576.
55. Clyde R. Mark, "Israel- U.S. Foreign Assistance Facts", *Congressional Research Service Issue Brief*, May 1990.
56. Stephen Zunes, "The Strategic Functions of U.S. Aid to Israel," Washington: Report on Middle East Affairs, <http://www.wrmea.com>.

57. "US Assistance to Israel", FEW/s virtual liberty.org.Jsource/US. Israel/US –Assistance to Israel 1.html.
58. "The Nature of U.S. Foreign Aid to Israel", www.jerusalemities.org.
59. Roberto Aliboni, "Europe and the United States: Common Interests and Differences in Democracy Promotion", www.iai.it/pdf.p.4.
60. Ibid, p. 3.
61. Paul Taylor, "US Seeks to Engage EU in Middle East Democracy Drive", *Reuters*, 21 January 2004.
62. Safa Haeri, "Mobarak Voices Opposition to the American Greater Middle East", www.Iran-pressservice.com, March 5, 2004
63. Lily Gardner Feldman, "The Middle East as Fulcrum for the Transatlantic Relationship: Bush, Kerry and German Views on a Critical Region", American Institute for Contemporary German Studies, Johns Hopkins University, <http://aicgs.org>, October 28, 2004.
64. "EU may Oppose Action against Iraq," <http://Intellnet.org>, March 16, 2002.
65. "Britain Fails to Persuade EU to Back War on Iraq", <http://converge.org.nz>, March 16, 2002.
66. "US-EU Co-operation on Iraq", U.S. Department of State Website, www.state.gov, February 17, 2005.
67. H.D.S. Greenway, "A Lesson from Iran on Regime Change," *The Boston Globe*, 7/4/2003
68. "Opinion", Committee on Industry, External Trade, Research and Energy, <http://europa.eu.int>, November 6, 2001.
69. "EU Disagree with U.S. Concept on Axis of Evil", *Beijing Times*, February, 10, 2002.
70. "Transatlantic Relations after 11 September", Op. cit, p.3.
71. "EU Relations with the Islamic Republic of Iran", www.europa.eu.int, 7/2/2001.
72. *Opinion*, Op. cit, p.5
73. "EU Relations with the United States", <http://euranion.org>, p.5.
74. "America and Europe: A Time for Unity, A time for Vision", *Op. cit*, p.17.

## منابع و مأخذ

1. Aliboni Roberto, "Europe and the United States: Common Interests and Differences in Democracy Promotion", [www.iai.it/pdt/DocIaI/jaio511.Pdf](http://www.iai.it/pdt/DocIaI/jaio511.Pdf).
2. Banchoff Thomas, "Value Conflict and US-EU Relations: The Case of Unilateralism", *ACES Working Paper 2004*, June 2004.
3. Barbara, "Police Trample on Human Rights in United States", [www.pww.org](http://www.pww.org).
4. Bard Mitchell G., "The Creation of Israel Resulted Solely from U.S. Pressure", *Jews Virtual Library*, [www.jewishvirtuallibrary.org](http://www.jewishvirtuallibrary.org).
5. Brimmer Esther, *The United States, The European Union, and International Human Rights Issues*, Washington: Centre for Transatlantic Relations, 2002.
6. Boyer Yves, "US-European Union Cooperation in the Aftermath of 9-11 Terrorism and Security", [www.International.tamu.edu](http://www.International.tamu.edu).
7. Cameron Fraser, "How Europe Views America", *The European Policy Centre*, EPC Issue Paper, No. 15, 25/6/2004.
8. Chomsky Noam, *US Human Rights Policy: Rhetoric and Practice*, [www.store.gxonlinestore.org/cs-chom1.html](http://www.store.gxonlinestore.org/cs-chom1.html).
9. Feldman Lily Gardner, "The Middle East as Fulcrum for the Transatlantic Relationship: Bush, Kerry and German Views on a Critical Region", American Institute for Contemporary German Studies, Johns Hopkins University, <http://aicgs.org>, October 28, 2004.
10. Greenway H.D.S., "A Lesson from Iran on Regime Change," *The Boston Globe*, 7/4/2003.
11. Haeri Safa, "Mobarak Voices Opposition to the American Greater Middle East", [www.Iran-pressservice.com](http://www.Iran-pressservice.com), March 5, 2004
12. Hailton Daniel, *Partners in Prosperity: The Changing Geography of the Transatlantic Economy*, Washington: Centre for Transatlantic Relations, Johns Hopkins University, 2004.
13. Janiczek Paul, "Helen of the Hague: the ICC and U.S.-EU Differences", *National Review Magazine*, October 2003.
14. Kagan Robert, "Power and Weakness", *Policy Review*, No. 113, June/July 2002.
15. Leonard Dick, "EU Backsliding on Human Rights? Challenge to Dutch Presidency from Amnesty International", *European Voice*, July 15, 2004.
16. Mark Clyde R., "Israel- U.S. Foreign Assistance Facts", *Congressional Research Service Issue Brief*, May 1990.

17. Richman Sheldon L., "Ancient History: U.S. Conduct in the Middle East since World War II and the Folly of Intervention", *Cato Policy Analysis*, No. 159.
18. Safran Nadav, *Israel: The Embattled Ally*, Cambridge, Mass: Belknap Press, 1981.
19. Stephenson Brant, "Transatlantic Counter-terrorism Measures; the Challenges of EU Implementation", <http://International.tamu.edu>, September 2004
20. Taylor Paul, "US Seeks to Engage EU in Middle East Democracy Drive", *Reuters*, 21 January 2004.
21. Townsend Adam, "Transatlantic Disputes must not undermine EU and US Counter – terrorism Co – operation", *Centre for European Reform*, 27 June 2003.
22. Vaisse Justin, "French Relations to the 2000 US Presidential Election", *U.S. – France Analysis*, January 2001.
23. Wilson Evan M., *Decision on Palestine: How the U.S. Came to Recognize Israel*, Stanford: Hoover Institution Press, 1979.
24. Zunes Stephen, "The Strategic Functions of U.S. Aid to Israel," Washington: Report on Middle East Affairs, <http://www.wrmea.com>.
25. "A Secure Europe in a Better World", <http://ue.eu.in>, Brussels, 12 December 2003.
26. "US. Relations with the European Union", <http://useu.be/transatlantic/index.html>
27. "The New Transatlantic Agenda", [europe.eu.int/comm/external-relations/Us/new-transatlantic-agenda/text.htm](http://europe.eu.int/comm/external-relations/Us/new-transatlantic-agenda/text.htm).
28. "EU-US Bilateral Economic Relations", <http://europa.eu.int>, June 2004.
29. "The EU's Relations with the United States of America", <http://europa.eu.int>, September 2004.
30. "EU: Trade Issues- bilateral Trade Relations", <http://europa.eu.int>, September 2004.
31. "Address to the European Parliament", <http://europa.eu.int>, October 9, 2002.
32. " Transatlantic Relations", *Euro-active*, March 13, 2005.
33. " A Secure Europe in a Better World", EU Official Website, 12 December 2003.
34. "EU: Terrorism, Enlargement, Euro", [www.migrationint.com.au](http://www.migrationint.com.au) , January 2002.
35. "Who EU Calling a Terrorist", *Wired News*, December 30, 2001.



36. "EU and the Fight against Terrorism", *European Union Fact Sheet, EU Official Website*, June 2004.
37. " At a Glance: Global Terrorism", *U.S. Department of State, US Info. State Gov*, November 2004.
38. "Transatlantic Relations after 11 September", *EU-US News*, Vol. IV, No. 8, January 2002.
39. "The Future of Transatlantic Relations – restoring Trust and Building a New Partnership", [www.subsite.icu.ac.jp](http://www.subsite.icu.ac.jp).
40. "The EU's Human Rights and Democratization Policy", [www.europa.eu.int](http://www.europa.eu.int), December 2001.
41. "Euro Deputy Criticizes EU Double Standards on Human Rights", *Irna English Website*, April 30, 2005.
42. "Human Rights must Begin at Home: Amnesty International's Recommendations to the Irish EU Presidency", *Amnesty International News Release*, January 12, 2004.
43. "Human Rights", US. Department of State, [www.state.gov](http://www.state.gov)
44. "United States: Thousands of Children Sentenced to Life without Parole", *Human Rights Watch*, [www.hrw.org](http://www.hrw.org), October 12, 2005.
45. "Why human rights in the U.S?", [www.wildforhumanrights.org](http://www.wildforhumanrights.org).
46. "US Behavior Creates Human Rights Credibility Gap", [www.scoop.co.nz](http://www.scoop.co.nz). 208, February 2005.
47. "Full Text of Human Rights Record of the US in 2003", *People's Daily*, March 1, 2004.
48. "EU Strategy against the Proliferation of Weapons of Mass Destruction", *European Union Fact Sheet*, <http://europa.eu.int>, June 2004.
49. "The Weapons of Mass Destruction Treat", <http://state.gov/tnp/wmd>.
50. "National Strategy to Combat Weapons of Mass Destruction", *US Department of State*, December 2002.
51. " EU's Position on the Middle East Conflict", <http://europa.eu.int/comm/external-relations/mepp>.
52. "US Assistance to Israel", [FEW/s virtual liberty.org.Jsource/US. Israel/US –Assistance to Israel 1.html](http://FEW/s.virtual.liberty.org.Jsource/US.Israel/US-Assistance.to.Israel.1.html).
53. "The Nature of U.S. Foreign Aid to Israel", [www.jerusalemmites.org](http://www.jerusalemmites.org).
54. "EU may Oppose Action against Iraq," <http://Intellnet.org>, March 16, 2002.
55. "Britain Fails to Persuade EU to Back War on Iraq", <http://converge.org.nz>,

March 16, 2002.

56. "US-EU Co-operation on Iraq", U.S. Department of State Website, [www.state.gov](http://www.state.gov), February 17, 2005.
57. "Opinion", Committee on Industry, External Trade, Research and Energy, <http://europa.eu.int>, November 6, 2001.
58. "EU Disagree with U.S. Concept on Axis of Evil", *Beijing Times*, February, 10, 2002.
59. "EU Relations with the Islamic Republic of Iran", [www.europa.eu.int](http://www.europa.eu.int), 7/2/2001.
60. "EU Relations with the United States", <http://euranion.org>.

